



فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	آغاز سخن.....
۸	کلام بزرگان.....
۱۲	مناسبت‌ها.....
۱۴	آینده عربستان.....
۱۸	«آزادی اقتصادی».....
۲۶	هجوم به فیضیه قم.....
۳۵	شفافیت و فسادزدایی.....
۴۶	گزارش جلسه کانون حزبی.....
۴۷	اخبار ویژه.....
۴۹	مطبوعات.....
۵۸	پایگاه‌های خبری.....

جهت کمک مالی به حزب تمدن اسلامی شماره حساب ۱۲۴۳۴۴۲۶۳
بانک تجارت شعبه خردمند شمالی (کد ۰۲۰) اعلام می‌گردد.

آدرس جدید سایت حزب

www.hezbetamaddon.ir

امام خمینی (ره):

بی‌تردید رمز بقا انقلاب اسلامی همان رمز پیروزی است و رمز پیروزی را ملت می‌داند و نسل‌های آینده در تاریخ فوهند فواند که دو رکن اصلی آن انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی و اجتماع ملت در سراسر کشور با ومدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد می‌باشد.

صندوق پستی: ۶۵۶۱-۱۵۸۷۵

تلفن تماس: ۸۸۸۲۵۶۹۶

۸۸۸۴۵۳۳۵

بسمه تعالی

آغاز سخن

به مناسبت ۱۲ فروردین «روز جمهوری اسلامی» در این شماره پیرامون انقلاب اسلامی با استفاده از دیدگاه شهید مظلوم آیت اله دکتر بهشتی و در شماره بعدی با بهره‌گیری از نظرات استاد شهید مطهری درباره «جمهوری اسلامی ایران» به طور اجمالی مطالبی تنظیم و تقدیم می‌دارد.

انقلاب اسلامی

با گذشت سی و هفت سال از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، هنوز تحقیقات وسیع و کافی در زمینه این انقلاب که بتواند تمام ابعاد آن را توصیف و تحلیل کند به ویژه توسط اندیشمندان داخلی صورت نگرفته است، لذا پژوهش لازم با توجه به عظمت و گستره این انقلاب ضروری به نظر می‌رسد.

اساساً انقلاب اسلامی ایران با ارایه هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی خود که ریشه در تعالیم مقدس دین اسلام دارد، بایستی تعریف جدیدی از روابط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی برای جهانیان عرضه کرد. البته انقلاب بستری بود تا انساها بتوانند از ارزش‌های انسانی و اسلامی آگاهی یابند و به سوی زندگی سعادت‌مند حرکت کنند. در نوشتار حاضر، ماهیت انقلاب اسلامی را از منظر فلسفه پدیدارشناسی و با توجه به آرا و اندیشه شهید مظلوم آیت اله دکتر بهشتی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

شهید مظلوم به عنوان یک اسلام‌شناس و با اشراف کافی بر حوزه دین و مسائل روز، صاحب تحلیل جامع و بینش وسیع بود و تبیین ابعاد انقلاب اسلامی به این رویکرد نیاز مبرم داشت.

انقلاب اسلامی ایران رویداد مهمی در قرن حاضر به شمار می‌رود و در استحکام امور فرهنگی جوامع بشری، سهم به‌سزایی دارد. و این انقلاب عاملی موثر در دستیابی بسیاری از پژوهشگران به چارچوب‌های نظری نوین در تبیین و تحلیل انقلاب‌ها،

آشنا کردن آنها با سهم عوامل مهمی چون فرهنگ، مباحث عقیدتی و رهبری انقلاب‌ها و نیز ویژگی‌های انقلاب دینی و تاثیر آن بر جامعه‌شناسی دینی است. پدیدارشناسی اساساً تلاشی است برای توصیف پدیده‌ها و در این میان متفکر سعی دارد به ماهیت و ذات پدیده دسترسی پیدا کند. آیت اله دکتر بهشتی با توجه به مبانی فکری اسلامی، ماهیت انقلاب ایران را برگرفته از آموزه‌های اسلامی می‌داند که حاکمیت تعالیم و ارزش‌های اسلامی در آن جاری است: «اگر انقلابی در ایران روی داده است، جهت این انقلاب روشن است، حاکمیت صدق، حاکمیت حق و عدل؛ حاکمیت عفت و تقوا، حاکمیت مهر و عطوفت برادری الهی، حاکمیت قهر و غضب فی الله، دوستی با دوستان خدا، دشمنی با دشمنان خداست. انقلاب برای حاکمیت این ارزش‌های متعالی و مبارزه با نفی ضد ارزش‌هایی بود که سال‌ها و قرن‌ها بر زندگی ما مردم، بر اخلاق با مردم، بر روابط ما مردم، در زندگی خصوصی و خانوادگی، اجتماعی، اداری، سیاسی، اقتصادی حاکم بود...»

در اندیشه وی خود انقلاب هدف نیست بلکه انقلاب وسیله‌ای برای رسیدن به ارزش‌های مهم انسانی و اسلامی است: «انقلاب برای این بود که آن ضد ارزش‌ها را از حاکمیت بیندازد و ارزش‌های اصیل متعالی و الهی و نور را به جای ظلمات، حاکم کند... صادقانه می‌گویم که ما جز تاکید و پافشاری روی معیارهای اسلامی و مکتبی هیچ انگیزه‌ای نداریم...»

ایشان تاکید داشت که انسان در چهارچوب قوانین الهی آزاد بوده و با اندیشه تحلیل‌گر خود ابتدا به وحی خدا، نبوت انبیا، کتاب و سنت پیامبران و مکتب اهل بیت (ع) آگاهی پیدا کرده، سپس در مرحله تنظیم قانون زندگی، وحی به عنوان زیرساخت، پایه و مایه همه محاسبات و بررسی‌های عقلی به عنوان تکیه‌گاه انسان به شمار می‌رود.

شهید بهشتی تاکید می‌کنند که اسلام همیشه بشریت را به آگاهی و شناخت روشن و اندیشه تحلیل‌گر خود متوجه می‌سازد و در این صورت ذهن انسان به وحی و پیغمبر (ص) به عنوان یک واقعیت عینی رهنمون خواهد شد. از دید وی عنصر آگاهی و توجه، تقدم رتبی بر وحی دارد. و در این باره می‌گوید: «اسلام از وحی پیغمبر (ص)

شروع نمی‌شود، اسلام از روشن‌ترین شناخت‌های بشر شروع می‌شود و در مسیر خود به وحی و پیغمبر (ص) می‌رسد و ادامه راهش با عقل به عنوان مقدمه به شناخت وحی رهنمون می‌شود. اسلام می‌خواهد بشر با شناخت روشن و اندیشه تحلیل‌گر خود از بدیهی‌ترین نقطه‌ها و با روشن‌ترین روندها آغاز کند و پیش برود، وقتی پیش رفت به وحی و پیغمبر و مکتب اهل بیت (ع) به عنوان یک واقعیت عینی می‌رسد و اگر نرسد واقعاً به دین الهی نرسیده است...»

دکتر بهشتی ضمن تاکید بر اهمیت آگاهی در سرشت انسان به عنصر مهم دیگری که آزادی است اشاره می‌کند که قوام بشریت و اساساً انسان بودن و انسان زیستن وابسته به آن است و لذا نفی آزادی را مساوی با مسخ شخصیت و انسانیت انسان می‌داند و می‌گوید: «نفی آزادی مساوی با مسخ شخصیت و انسانیت انسان است زیرا وقتی آزادی نباشد، انتخاب معنا ندارد و وقتی انتخاب معنا نداشت دیگر انسان نمی‌تواند خالق شخصیت و معمار سرنوشت خویش باشد...»

آیت اله دکتر بهشتی ضمن تاکید دو عنصر آگاهی و آزادی انقلاب اسلامی ایران را حرکتی در جهت آزادی انسان و دستیابی به آزادی‌های اجتماعی در جامعه می‌داند: «... این انقلاب قبل از اسلامی بودن و مکتبی بودن ویژگی دیگری داشته است که بیش از همه در دنیا مورد توجه واقع شده و آن این است، انقلابی که با پیروزی‌اش، آزادی‌های اجتماعی را در جامعه به حدی توانسته تامین کند که رژیم‌هایی که سال‌ها از زمان استقرارشان می‌گذرد هنوز نتوانسته‌اند به ملت‌هایشان چنین آزادی‌ای بدهند بزرگترین ویژگی چشمگیر جهانی این انقلاب، آزادی است.»

شهید مظلوم در بررسی ماهیت انقلاب اسلامی به مسئله مهم که انقلاب در ارزش‌هاست اشاره می‌کنند و انقلاب اسلامی را در مرحله نخست انقلاب در ارزش‌هایی می‌داند که طی سالیان گذشته و توسط رژیم‌های طاغوتی بر این مردم و سرزمین تحمیل شده بود و در واقع انقلاب اسلامی ایران را انقلاب ارزش‌ها می‌داند و در این باره نیز می‌گوید:

«... انقلاب در درجه اول انقلاب ارزش‌هاست و در آن هدف نهایی هم انقلاب در ارزش‌هاست، و الا از دگرگونی شکل‌ها کاری ساخته نیست. ما باید مواظب باشیم به

عمر کوتاه باقی مانده همه ضد ارزش‌های طاغوتی که در جامعه‌مان رسوباتش هنوز باقی مانده پایان بدهیم...»

از نظر ایشان انقلاب اسلامی ایران حرکتی در راستای حاکم ساختن ارزش‌های متعالی در جامعه بود. وی بر این مهم تاکید دارد که اسلام مشوق و حامی زندگی اجتماعی است و تعالیم عالی اسلام بر اساس حفظ پیوندهای اجتماعی و مستحکم کردن آنها و جلوگیری از سقوط جامعه است «عالی‌ترین صفات انسانی از نظر اسلام وقتی ارزش واقعی خود را دارند که با حفظ پیوندهای اجتماعی توأم با انجام وظایف فرد نسبت به اجتماع کسب شده باشند...»

تحقق این امر نیاز به ساز و کار اساسی داشت که مهم‌ترینش ایجاد یک حکومت صالح و اسلامی بود که بتواند ارزش‌های انسانی و اسلامی را به عینیت برساند. از دیدگاه شهید بهشتی گویاترین نامی که برای نظام سیاسی اسلامی می‌توان انتخاب کرد «نظام امت و امامت» است که به علت عدم آشنایی توده مردم در زمان انقلاب عناوین «حکومت اسلامی» و «جمهوری اسلامی» برای آن انتخاب شد. در این نظام ناس با امت تفاوت دارد. بر پایه اعتقاد اسلامی، گروهی با نام امت به وجود می‌آید که به لحاظ مبانی عقیدتی و عمل به اسلام نیاز به امامتی دارد که از جانب خداوند به پیامبران و سپس امامان معصوم (ع) واگذار شده است. در این نظام صلاح کل مردم جهان مدنظر بوده و امت حامل این مسئولیت است. شهید مظلوم آیت اله دکتر بهشتی همچنین بر این مهم تاکید دارد که در عصر غیبت و عدم دسترسی مردم بر حکومت علم و عدل توسط امام معصوم (ع) شئون غیر اختصاصی امامت به کسانی که شرایط آن را داشته باشند منتقل می‌شود این شرایط اکتسابی و در دسترس همه است.

در اندیشه سیاسی شهید مظلوم بهشتی آرا و خواست مردم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و استحکام و مشروعیت نظام را متکی بر آرای عمومی مردم می‌داند پس اساساً نظام اسلامی از دیدگاه وی نظامی متکی به آرای آزاد ملت است و نه متکی بر خشونت و زور و سرنیزه: «... آرای عمومی از نظر وی پشتوانه اعتبار و استحکام و قدرت یک فرد یا یک گروه اداره کننده است، روشی است که باید کاملاً به آن توجه

شود یعنی هیچ حکومتی در هیچ درجه‌ای نباید خود را بر مردم تحمیل کند، به علاوه حکومتی که از حمایت مردم برخوردار نباشد از همکاری آنها هم برخوردار نیست و اصولاً نمی‌تواند کاری انجام بدهد و ناچار می‌شود به زور سرنیزه خودش را سرپا نگه دارد در نتیجه هم کارائی‌اش کم می‌شود و هم ظالم می‌شود...» ایشان درباره زندگی جمعی انسان‌ها، انواع حکومت‌ها را نام برده، در نهایت حکومت تئوکراسی را نوع آرمانی حکومت منظور نظر خود دانسته بیان می‌دارد که در حکومت تئوکراسی به لحاظ نقش مردم خداوند نقش اساسی را دارد:

«... این جا سخن از تامین مصالح مردم به وسیله خالق آنها و حکومت برگزیده خدای متعال است... تئوکراسی از آن جهت که اراده مردم در انتخاب حکومت موثر نیست و یک نفر بی‌آنکه از جانب مردم برگزیده شده باشد بر آنها حکم می‌راند، به دیکتاتوری یا استبدادی قابل تشبیه است. ولی اولاً منظور اصلی از دخالت اراده مردم در تعیین حکومت در روش کار آن این بود که دستگاه‌های حکومتی ملزم به مراعات خواسته‌های مردم باشند و تامین مصالح عمومی به این طریق ضامنی داشته باشد و این منظور در تئوکراسی تامین شده است. چون به راستی اگر کسی از جانب خدا به حکومت منصوب شود دیگر جای تردید نمی‌ماند که مصالح عمومی را به بهترین وجه ممکن تامین می‌کند. ثانیاً اگرچه هنگام تعیین حکومت، اراده مردم دخیل نبوده ولی پس از آن که به اراده خدا تعیین شده اراده مردم نیز جز او نخواهد خواست...»

شهید مظلوم به اهداف حکومت‌های مختلف اشاره می‌کند و معتقدند که بهترین هدف حکومت این است که در پی تامین مصالح مادی و معنوی، اخلاقی و دینی برای همه افراد باشد و این هدف را تنها حکومت الهی دنبال می‌کند. لذا وی معتقد است که سه نوع هدف را برای هر حکومتی می‌توان تصویر کرد:

- ۱- حکومتی که هدف آن تامین نیازهای هیئت حاکمه است.
- ۲- حکومتی که هدف اصلی آن تامین خواسته‌های مردم است.
- ۳- حکومتی که هدف اصلی آن، تامین مصالح مادی و معنوی اخلاقی و دینی برای همه افراد همه طبقات و همه ملت‌ها و نژادها و نسل‌هاست. از این روی فقط حکومت الهی چنین هدفی را دنبال می‌کند: «در حکومت الهی،

هدف حکومت، سازمان‌های دولتی، نظام‌ها و مقررات اجتماعی آن است که عالم انسانیت را به طرف کمال سوق دهد... در حکومت عالی الهی عنایت به تامین خواسته‌های مادی مردم در حدودی است که فرد و جامعه نه در فشار و محرومیت‌های مادی منحرف شود و نه همه نیروهایش در راه هوی و هوس و شهوت متمرکز گردد و از کمالات عالی معنوی محروم بماند...»

از نظر ایشان «... جامعه اسلامی جامعه انسان مدنیت یافته، انسان شکل گرفته، انسان هدایت شده، نظام هدایت شده و نظام همراه با نقش تعیین کننده و حکومت آگاه عادل است...»

محور مهم دیگری که از راه‌های تامین هدف متعالی و نهایی مدیریت و رهبری دینی و مورد تاکید آیت اله بهشتی است رابطه میان مدیریت و ارزش‌هاست. وی با قاطعیت تاکید می‌کند که حضور قوی مدیریت و رهبری دینی در اداره جامعه و کنترل همه جانبه آن تنها راه جلوگیری از وارد شدن ضربه بر ارزش‌ها و زیان‌های ناشی از آن است. مهم‌تر آنکه شهید مظلوم، عدالت اقتصادی و سیاسی و اجتماعی را از عدالت اخلاقی و معنوی جدا نمی‌داند و معتقد است تا عدالت اقتصادی و سیاسی و اجتماعی تحقق نیابد نمی‌توان انتظار تبلور ارزش‌ها و تجلی معنویت و اخلاق در رفتار مردم و روابط اجتماعی را داشت.

اسلام بر یک نظام ارزشی استوار است و در این نظام ارزشی ویژگی‌ها و مشخصه‌های جامعه سیاسی آرمانی عرضه شده است و رهبران دینی بر اساس نظام ارزشی شیوه‌ها و راهکارهای علمی دگرگون سازی جامعه در جهت دستیابی به جامعه آرمانی را ارائه می‌کنند. اسلام در اجراء، روش‌ها و شیوه‌ها در مقایسه با سایر مکاتب، ملاک و معیارهای ویژه‌ای دارد که با آنچه امروز در جهان متداول است تفاوت دارد. حرکت در چهارچوب اسلام و حاکمیت اخلاق و این که اسلام استفاده از هر وسیله در جهت دستیابی به هدف را مجاز نمی‌شمرد از خطوط کلی حاکم بر این شیوه‌ها است.

از منظر پدیدار شناسی پیرامون بررسی ماهیت انقلاب اسلامی می‌توان گفت که شهید بهشتی به عنوان یک شخصیت بارز اسلام‌شناس با توجه به مبانی فکری (انسان شناسی و هستی شناسی) ماهیت انقلاب ایران را از اسلام می‌جویند و بر این مهم تاکید دارند که خود انقلاب هدف نیست بلکه انقلاب وسیله‌ای برای رسیدن به ارزش‌های مهم انسانی و اسلامی می‌باشد. پس از نظر ایشان اراده، آزادی، آگاهی و تعالیم ناب اسلامی جزء ماهیت و اهداف مهم انقلاب ایران به شمار می‌آید.

حضرت جواد (ع):

امر به معروف و نهی از منکر دو مخلوق الهی هستند هر که آن دو را یاری کند مورد عزت خداوندی قرار می‌گیرد و هر کس آنها را رها کند مورد خواری و بازخواست قرار می‌گیرد.

کلام بزرگان

حضرت فاطمه زهرا (س) از نگاه رهبر معظم انقلاب

اگر شخصیت فاطمه زهرا (س) برای ذهن‌های ساده و چشم‌های نزدیک بین ما آشکار می‌شد ما هم تصدیق می‌کردیم که فاطمه زهرا (س) سرور همه زنان عالم است. بانویی که در سنین کم و در عمر کوتاه به مقامات معنوی و علمی و معرفتی و به مرتبه‌ای برسد که برابر مرتبه انبیا و اولیاست.

فاطمه زهرا (س) فجر درخشانی است که از گریبان او خورشید امامت و ولایت و نبوت درخشیده است. آسمان بلند و رفیعی است که در آغوش آن ستاره‌های فروزان ولایت قرار گرفته‌اند.

حضرت زهرا (س) برتر از همه زنان برگزیده و سرور زنان از آغاز تاریخ بشر تا پایان است.

این خود یک معجزه‌ی اسلام است، یعنی فاطمه‌ی زهرا (س) در عمر کوتاه خود به مقامی می‌رسد که سیده‌ی نساء عالمین است، یعنی از همه‌ی زنان بزرگ و قدیس طول تاریخ برتر است. این چه عاملی است، این چه نیرویی است! این چه قدرت متحول‌کننده‌ی عمیق درونی است که از یک انسان در این مدت کوتاه می‌تواند یک چنین اقیانوس معرفت و عبودیت و قداست و عروج معنوی بسازد؟ خود این معجزه‌ی اسلام است.

یک جنبه‌ی دیگر نسل مبارک این بزرگوار است که تطبیق سوره‌ی کوثر با فاطمه‌ی زهرا (س) اگر در آثار حدیثی ما هم نیامده باشد یک تطبیق مصداقی درست است این همه برکات بر خاندان پیغمبر (ص) بر یکایک ائمه‌ی هدی عالم پر است از نغمه‌های دل‌نواز فردی و اجتماعی و دنیایی و اخروی که از این حنجره‌های پاک برخاسته، ببینید چه غوغایی است در عالم معرفت، در عالم معنویت، در بزرگراه هدایت از کلمات این بزرگواران و درس‌های آن‌ها و معارف آن‌ها! این نسل فاطمه‌ی زهراست.

خیلی خدا را شکر کنیم نعمت بزرگی است تولای فاطمه‌ی زهرا (س) و صدیقه‌ی کبری برای ما، خدا را شکر که او را شناختیم، خدا را شکر که خودمان را ذیل عنایت او متوسل کردیم و خدا را شکر که نعمت وجود او را قدر دانستیم، به او توسل جستیم از او معرفت خواستیم به او محبت ورزیدیم. این‌ها نعمت‌های بزرگ خداست، این‌ها را باید حفظ کنیم.

بازخوانی سخنان رهبر فرزانه انقلاب اسلامی درباره‌ی عید نوروز

عید نوروز هم حقیقتی است. ما با عید نوروز موافقیم کسی خیال نکند که عید نوروز از لحاظ اسلامی چیز بدی است؛ هر کس چنین تصویری بکند واقعاً اشتباه کرده است اسلام عید نوروز را رد نکرده است.

این جشن یک جشن ملی است؛ جزو اعیاد دینی نیست؛ لکن از سوی بزرگان شرع مقدس ما هم، نوروز مورد تأیید قرار گرفته. ما روایات متعددی داریم که در آنها از نوروز تجلیل شده و روز نوروز گرامی داشته شده. این موجب شده است که نوروز وسیله‌ای بشود برای اظهار عبودیت انسانها در مقابل پروردگار و تواضع ما در مقابل پروردگار. در واقع فرصتی است برای اینکه انسان دل خود را با یاد خدا هم طراوت ببخشد. (۱۳۸۹/۱/۷)

من مایلم جوانان عزیز، بخصوص فرزندان، به این مطلب، درست توجه کنند که اسلام در برخورد با پدیده‌هایی که از کشورها و از ملت‌های دیگر، یا از دوره‌های قبل به آن رسیده است، یک برخورد حکمت‌آمیز و همراه با دقت و نگاهی همه‌جانبه دارد. هر چیزی که قابل این است تا محتوای صحیح پیدا کند، اسلام آن را می‌گیرد، به آن جهت و محتوای صحیح می‌دهد و در دسترس مردم می‌گذارد. مثلاً بعضی از همین مراسم حج، مثل طواف، سعی و قربانی کردن، از قبل از اسلام بود. اسلام، این مراسم را گرفت، محتوای شرک‌آلود، مادی و غلط را از آن خارج کرد و محتوای توحیدی به آن داد؛ آن را درک کرد و به صورت یک درس، به مردم برگرداند. کار خیلی عجیب و مهمی است. در باب عید نوروز و مراسم سنتی قدیمی هم همین‌طور؛ اسلام، عید نوروز را گرفت، محتوای انسانی و اسلامی و معنوی به آن داد و به مردم

برگرداند. اول سال تحویل، شما به دستور اسلام با خدا رابطه برقرار می‌کنید و می‌گویید: «یا مقلب القلوب و الابصار. یا مدبر اللیل والنهار. یا محول الحول و الاحوال»؛ ای کسی که گردش زمین و آسمان، گردش دلها و چشمها و گردش روزگاران به دست توست، این گردش قراردادی سال را هم برای ما با برکت و مبارک قرار بده؛ «حول حالنا الی احسن الحال». (۱۳۷۸/۱/۱)

هر کاری هم که در این ایام به جشن مردم کمک کند و آن را معنا ببخشد، خیلی خوب است و هیچ ایرادی ندارد؛ یعنی کسی که دارد برای عید نوروز برنامه ریزی می‌کند، نباید احساس گناه و جرم و کمبودی بکند؛ منتهی شاد کردن مردم یک چیز است، مبتذل کردن فضا یک چیز دیگر است. (۱۳۷۰/۱۲/۷)

نوروز، یعنی روزی که شما با عمل خودتان، با حادثه‌یی که اتفاق می‌افتد، آن را نو می‌کنید. روز بیست و دوم بهمن که ملت ایران، حادثه‌ی عظیمی را به کمک خدا تحقق بخشید، روز نویی (نوروز) است. آن روزی که امام امت، قاطعاً به دهان مستکبر قلدر گردن کلفت دنیا - یعنی امریکا - مشت کوبید، آن روز، روز نو و راه نویی (نوروز) بود؛ حادثه‌ی نویی بود که اتفاق می‌افتاد و افتاد. ما باید نوروز را، نو روز کنیم. نوروز به حسب طبیعت، نوروز است؛ جنبه‌ی انسانی قضیه هم به دست ماست که آن را نوروز کنیم. (۱۳۶۹/۱/۱)

امام خمینی (ره):

همه شما، هر کس به کشورش اعتقاد دارد، هر کس به دیانتش اعتقاد دارد، به خدا اعتقاد دارد، امروز باید این را حفظش بکند و اختلافات جزئی که بین افراد هست اینها را کنار بگذارند و آنطور نباشد که تمام هم ما صرف این بشود که او را عقب بزنیم؛ خودم جلو بیایم و آن چه بشود، آن آلوده بشود، آن چه بشود، این نباشد. همه ما هم‌مان صرف این باشد که اگر یک کسی هم خطا می‌کند برادرانه بروند بهش حالی کنند که این کار درست نبوده است، تو باید چه بکنی، اگر باورش نیامد و دیدید که آدم صحیحی نیست، آن وقت باید به مراکزی که هستش گفته بشود تا جلویش را بگیرند. در هر صورت، این من را نگران کرده، من مدت‌هاست که برای این جهت

نگرانم و به همه آقایان هم این نگرانی را اظهار کردم و گفتم که ما نمی‌توانیم که حالا هم به صورت مبارزه درآییم و با اشخاصی که داخل در خود جمعیت خودمان هست مبارزه کنیم. مبارزه با خارج، مبارزه با طاغوت صحیح است، اما دیگر مبارزه کنید با خودمان! ... با هم بنشینیم تفاهم کنیم، با هم بنشینیم برادر باشیم، همه‌مان اهل یک مملکت، همه‌مان اهل یک ملت، همه‌مان اسلامی، ارادت به اسلام داریم. اینطور نباشد که هر کدام بگوییم خیر ما اسلامی هستیم و دیگران نیستند، نخیر، اگر ما هیچ کدامان که کارهایی که محول به خودمان هست آن را به طور صحیح انجام ندهیم ما اسلامی نیستیم...

(صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۴۱۷)

حضرت علی:

فاطمه (س) خوب یاوری در راه اطاعت و بندگی خداست.

مناسبت‌ها

مناسبت‌های فروردین ۱۳۹۵

* دوم فروردین ماموران ستم شاهی طاغوت پهلوی در سال ۱۳۴۲ شمسی همزمان به سالروز شهادت حضرت امام صادق (ع) به مدرسه فیضیه قم هجوم بردند و عده‌ای از طلاب را شهید و عده‌ای دیگر را مجروح و کتاب‌ها از قبیل کتب درسی حوزوی، قرآن، مفاتیح الجنان و کتب ادعیه و اثاثیه و لوازم طلاب را به آتش کشیدند.

- در چنین روزی در سال ۱۳۶۱ شمسی عملیات فتح المبین با رمز «یا زهرا (س)» در منطقه غرب شوش و دزفول با وسعت ۲۵۰۰ کیلومتر مربع آغاز شد. این عملیات با فرماندهی مشترک سپاه و ارتش با ۱۰۰ گردان سپاه و ۳۵ گردان ارتش و حدوداً یکصد هزار نفر نیرو در مقابل ارتش عراق با ۷ تیپ زرهی، ۲۰ تیپ پیاده و ۱۰ گردان توپخانه و بیش از ۹۲۰ هزار نفر نیرو صورت گرفت. و در نهایت ۲۵۰۰ کیلومتر مربع از مناطق اشغال شده کشور آزاد و ۳۰۰۰۰ نفر به شهادت رسیدند و از نیروهای عراقی ۲۵۰۰۰ نفر کشته و ۱۵۰۰۰ نفر اسیر و ۴۰۰ تانک به تصرف درآمد.

* چهارم فروردین برابر با ۱۳ جمادی الثانی حضرت ام البنین (س) در سال ۶۴ و برخی تاریخ نگاران سال وفات ایشان را ۷۰ هجری قمری در شهر مدینه در ۵۹ یا ۶۵ سالگی وفات او را ثبت نموده‌اند و وی در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد.

* یازدهم فروردین مطابق با ۲۰ جمادی الثانی در سال هشتم قبل از هجرت حضرت فاطمه (س) در شهر مکه معظمه از حضرت خدیجه (س) متولد شدند.

- همچنین امام خمینی در سال ۱۳۲۰ قمری در چنین روزی در شهر خمین متولد شدند.

* دوازدهم فروردین پس از پیروزی انقلاب اسلامی در تعیین نوع و نظام سیاسی کشور در ۱۰ و ۱۱ فروردین سال ۱۳۵۸ از مردم همه‌پرسی شد که

- ۹۸/۲ درصد رأی دهندگان به جمهوری اسلامی آری گفتند و روز دوازدهم به «روز جمهوری اسلامی نامیده شد.»
- * نوزدهم فروردین آیت اله سید محمد باقر صدر و خواهر مکرمه ایشان «بنت الهدی» در سال ۱۳۵۹ شمسی به ترتیب در سن ۴۷ و ۴۳ زیر شکنجه بعثیان صدامی در بغداد به شهادت رسیدند. و در جوار مرقد حضرت امام علی (ع) در آرامگاه خانوادگی «شرف الدین» به خاک سپرده شدند.
- * بیست و یکم فروردین مصادف با اول رجب حضرت امام محمد باقر (ع) در سال ۵۷ هجری قمری در شهر مدینه النبی (ص) دیده به جهان گشودند.
- * روز بیست و سوم فروردین برابر با سوم رجب حضرت امام هادی (ع) در سال ۲۵۴ هجری قمری به دست معتز سیزدهمین طاغوت عباسی مسموم و در ۴۲ سالگی (پس از ۳۳ سال امامت و همزمانی با ۶ طاغوت عباسی) به شهادت رسیده و در شهر سامرا به خاک سپرده شدند.
- * بیست و هشتم فروردین برابر با هشتم رجب در سال ۲۰ هجری قمری مصر به دست سپاه اسلام فتح گردید.
- * بیست و نهم فروردین امام خمینی (ره) به عنوان فرمانده کل قوا در ۲۹ فروردین سال ۱۳۵۸ با صدور پیامی این تاریخ را «روز ارتش جمهوری اسلامی» اعلام نمودند.
- * سی‌ام فروردین مطابق با دهم رجب حضرت امام جواد (ع) در سال ۱۹۵ هجری قمری در شهر مدینه الرسول (ص) ولادت یافتند.

آینده عربستان (تجارت فردا - شماره ۱۶۵)

دهه ۷۰ میلادی در قرن بیستم، نقطه عطف سیاسی-اقتصادی عربستان محسوب می‌شود. با افزایش قیمت نفت، این کشور دوران جدید اقتصادی خود را تجربه می‌کرد که وقوع انقلاب اسلامی در ایران و تقابل شدید آن با ایالات متحده، این دوران را وارد مرحله‌ای تازه کرد. حالا دیگر این عربستان بود که علاوه بر نقش متحد و تضمین‌کننده جریان باثبات نفت، باید خریدار تسلیحات جنگی ایالات متحده هم می‌شد. وقوع انقلاب اسلامی در ایران و بعد از آن هم جنگی که هشت سال به طول انجامید، این فرصت را به عربستان داد تا موقعیت خود را هم در منطقه و هم در اوپک تثبیت کند. آن هم در سال‌هایی که اوپک، بزرگ‌ترین قدرت در بازار نفت جهان و قیمت‌گذار واقعی محصول در بازارها بود. همچنین قرار داشتن مکان‌های اصلی مذهبی مسلمانان، باعث می‌شد نه تنها کشورهای عرب منطقه و جهان که ریشه‌های نژادی مشترکی با مردم عربستان داشتند، که کشورهای مسلمان غیرعرب هم رابطه‌ای نزدیک با عربستان داشته باشند.

تفاوت‌های مهم مساحت، ثروت، جمعیت و... در کنار داشتن مرز مشترک با اکثر کشورهای عرب و راه ارتباطی با دو دریای مهم منطقه، قدرت سیاسی-اقتصادی زیادی به عربستان داد که البته نتوانست و احتمالاً حتی تمایلی نداشت از آن در جهت تغییر اوضاع داخلی‌اش استفاده کند. عربستان از نظر وضعیت اجتماعی و سیاسی و فرهنگی داخلی، بدون شک می‌تواند یکی از عجیب‌ترین کشورهای جهان تلقی شود. خبرهایی که در مورد انواع قوانین حاکم بر این کشور، مثل منع قانونی زنان از رانندگی و رای دادن (انتخابات اخیر در عربستان، اولین انتخابات این کشور بود که در آن زنان اجازه داشتند پای صندوق‌های رای حاضر شوند)، منع تحصیل زنان از تحصیل در رشته‌های فنی و حقوق، منع اشتغال آنان در مشاغل که ممکن است با نامحرم برخورد داشته باشند، وجود قوانین برای گردن زدن جادوگران و... به

بیرون می‌رسد، نشانه‌های یک جامعه عقب‌مانده از نظر فرهنگی و اجتماعی را دارد. اما آمارهای بین‌المللی و رده‌بندی‌های جهانی این نتیجه‌گیری را چندان تایید نمی‌کنند.

به عنوان مثال با وجود تمام این قوانین، شاخص توسعه انسانی عربستان در سال ۲۰۱۵ برابر ۸۳۷/۰ بود و در رتبه سی‌ونهم جهان قرار داشت در حالی که شاخص توسعه انسانی ایران ۷۶۶/۰ اعلام شد و ایران از این نظر در رتبه شصت‌ونهم جهان قرار گرفت. اگر بخواهیم این شاخص را به تفکیک زنان و مردان هم بررسی کنیم، شاخص توسعه انسانی زنان در ایران در سال ۲۰۱۵ برابر ۶۸۹/۰ و در عربستان ۷۷۸/۰ اعلام شده است. اینکه موقعیت سوق‌الجیشی عربستان و نیاز جامعه بین‌الملل به این کشور، باعث سهل‌گیری شده یا موضوع اصلاً چیز دیگری است، مساله‌ای است که نمی‌توان به سادگی در مورد آن نتیجه‌گیری کرد (در بررسی این شاخص و برای تعیین عدد کلی، تحصیلات، اشتغال، نرخ بیکاری، آموزش، نابرابری و... مورد سنجش قرار می‌گیرد).

بدون شک بیش از سه دهه است که عربستان یکی از مهم‌ترین موقعیت‌های سیاسی اقتصادی را در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در اختیار دارد. بخش عمده‌ای از آن به دلیل کالایی به شدت سیاسی است که در منطقه خاورمیانه به طور عام و عربستان به طور خاص به وفور یافت می‌شود. علاوه بر نفت، موقعیت استراتژیک عربستان باعث شده است این کشور بزرگ‌ترین خریدار تسهیلات نظامی ایالات متحده در منطقه خاورمیانه (و در مقاطعی جهان) باشد که نقش مهمی در ثبات منطقه ایفا کرده است. حتی بعد از آنکه روند صعودی مخارج نظامی و دفاعی عربستان که بعد از انقلاب ایران آغاز شده بود، با خودداری ایالات متحده از فروش بعضی جنگ‌افزارهای خاص، کاهش یافت (عقیده بر این بود که لابی‌های اسرائیلی در آمریکا، به دلیل جنگ اعراب و اسرائیل با فروش اسلحه‌هایی خاص به عربستان مخالفت کردند)، تنها چند سالی زمان لازم بود تا مداخله نظامی عراق در کویت دوباره موتور خرید اسلحه عربستان را روشن کند. اما حداقل در حال حاضر این مخارج دیگر، تنها دفاعی نیست. بخشی از آن صرف کمک به دولت‌های کشورهای

همسایه و منطقه می‌شود و بخشی دیگر نیز در اختیار گروه‌های شبه‌نظامی و تروریستی قرار می‌گیرد که در منطقه فعال هستند و حداقل به عقیده حاکمان عربستان در حال حاضر در جهت منافع این کشور گام بر می‌دارند.

دولت حاکم و خاندان سلطنتی عربستان، احتمالاً متوجه شده‌اند که سال‌های پیش رو، به اندازه دهه ۷۰ میلادی در تاریخ این کشور مهم خواهند بود. به نظر می‌رسد تکنولوژی‌های جدید باعث شده نفت دیگر به اندازه گذشته کالای استراتژیکی نباشد. هم تحقیقات پیرامون انرژی‌های جایگزین آن نتایج کاربردی و مفیدی را در بر داشته است و هم نفت شیل ایالات متحده وارد بازار شده است. نفتی که اگرچه فعلاً هزینه تولید بالایی دارد، اما سرمایه‌گذاری در امر تحقیق و پژوهش آن، می‌تواند هزینه‌های تولید آن را نیز کاهش دهد. علاوه بر آن اوپک دیگر نقش سازمان تعیین‌کننده قیمت در بازار نفت جهان را ندارد. دورانی که تصمیم دولت‌های عضو اوپک مبنی بر تغییر تولید، قیمت‌ها را به سرعت تغییر می‌داد سپری شده و حالا سهم این نهاد از بازار نفت دنیا به اندازه‌ای نیست که بتواند اثری حتمی، پایدار و قدرتمند داشته باشد. این دو دلیل باعث شد تا روند کاهش قیمت نفت در سال ۲۰۱۵، با پاسخی سنتی از طرف اوپک (و البته عربستان به عنوان قدرت اصلی آن در غیاب ایران به دلیل تحریم‌ها) روبه‌رو نشود. اوپک که به این نتیجه رسیده بود کاهش تولید در سال‌های اخیر، بیش از تاثیر بر کنترل قیمت باعث کاهش سهم بازار این نهاد شده است، تصمیم گرفت از فاکتور پایین بودن هزینه تولید در کشورهای عضو استفاده کند و با حداکثر توان به تولید ادامه دهد تا ضمن حفظ سهم خود در بازار، تولید را برای کشورهایی که هزینه‌های تولید بالایی دارد غیراقتصادی کرده و آنها را از بازار خارج کند. البته تلاش برای اعمال فشار بر ایران، می‌تواند انگیزه‌ای جدید برای عربستان تلقی شود. اما اینکه فقط انگیزه‌های مهم، بتوانند باعث تداوم این وضعیت شوند، جای تردید دارد.

مساله دیگری که می‌تواند موقعیت سیاسی و اقتصادی عربستان در منطقه و حتی جهان را در سال‌های آینده تحت تاثیر قرار دهد، وضعیت داخلی عربستان از نظر اجتماعی و سیاسی است. حکومت پادشاهی این کشور توانسته عدم توازن بین

وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را در داخل مرزهایش برای سال‌های متمادی پایدار نگه دارد. علت عمده این موضوع وفور درآمدهای نفتی در برابر جمعیت نه چندان پر تعداد این شبه‌جزیره بوده است. رفاه اقتصادی بالا، ارزانی کالاها و خصوصاً انرژی، نبود تقریباً هر نوع مالیات و کمک‌ها و سوبسیدهای دولتی که در مواردی آنقدر هست که افراد حتی انگیزه‌ای برای کار کردن ندارند، کلید موفقیت خاندان سلطنتی عربستان برای حفظ ثبات اجتماعی در عین دوگانگی بوده است. اما اگر این رفاه اقتصادی از بین برود، یا حتی اندکی کاهش یابد نه تنها بی‌ثباتی داخلی را به همراه خواهد داشت که حتی از جهت روابط خارجی نیز کاهش یا توقف کمک‌های مالی و تسلیحاتی به کشورهای همسایه و منطقه، نشان خواهد داد که کدام روابط همچنان پایدار مانده و کدام یک دچار مشکل خواهند شد. عربستان، یکی از معدود کشورهایی در جهان است که با حکومتی کاملاً استبدادی اداره می‌شود. اینکه این روند، بدون درآمد سرشار نفت بتواند ادامه پیدا کند، بسیار بعید خواهد بود. سال‌های پیش‌رو، برای عربستان و البته منطقه سال‌هایی بسیار کلیدی خواهد بود. کسری بودجه‌هایی بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار در سال، بهبود روابط ایران و غرب، تداوم کاهش قیمت نفت، وجود سه کشور درگیر در جنگ داخلی در منطقه و... بحران‌هایی هستند که عربستان باید راهی برای مدیریت آن بیابد. البته این راه هرچه باشد، نقشه اقتصادی سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، بدون شک در سال‌های آینده از نو نوشته خواهد شد.

اسلام، انسان را آزاد، آگاه، انتخابگر، سازنده و مسئول می‌شناسد.

«آزادی اقتصادی» (قسمت چهارم و پایانی)

اولین کشوری که در فاصله دو جنگ جهانی از مداخلات گسترده دولت در فعالیتهای اقتصادی برخوردار شد. ایالات متحد آمریکا بود. اگر چه این کشور امروز در میان کشورهای سرمایه داری، دارای کمترین مداخله دولت در فعالیتهای اقتصادی است، اما بحران اقتصادی بزرگ سال ۱۹۲۹ و آثار آن، روزولت رئیس جمهور این کشور را ناگزیر به مداخلات گسترده ای در فعالیتهای اقتصادی کرد. بنا به تئوری دولت مداخله گر کینز یعنی در زمانی که نرخ بیکاری به ۲۴ درصد رسیده بود.

اقدامات روزولت، به «نیو دیل New Deal» و انقلاب روزولت معروف است. علت بروز این بحران، مازاد تولید محصولات کشاورزی و صنعتی بود که بازارها را اشباع کرده و قیمتها را به شدت کاهش داده بود. قیمت سهام در بورس نیویورک به صورت غیرعادی تنزل یافت و با توجه به شرایط اقتصادی و روانی مناسب بسرعت به بازارهای بورس و نیز بازار کار و بازار محصولات کشورهای اروپایی سرایت کرد و با این ترتیب، آثار بحران در سطح بین المللی آشکار شد. برای مقابله با بحران اقتصادی سیاستهای متنوعی اعمال شد. به منظور ایجاد امکان برای افزایش صادرات، نرخ رسمی دلار کاهش داده شد. برای تعدیل مازاد تولید، با وضع قوانین و مقرراتی که با محدود کردن آزادی تولیدکنندگان، حجم تولید را در بسیاری از محصولات کشاورزی، تنظیم می کرد. این گونه مداخلات حکومتی در کشورهای اروپایی از جمله فرانسه، ایتالیا، آلمان و انگلستان به عمل آمد.

بدینسان آثار بحران، نشانگر کارکرد غلط مکانیسم بازار بود و ناگزیر باید دولت با بحران مقابله می کرد. و این اقدام موجب نقض آزادی اقتصادی بود. اعمال این سیاستها اولاً با اصول نظام اقتصاد سرمایه داری لیبرال که قوانین اساسی کشورهای سرمایه داری منطبق با آن بود، سازگاری نداشت، به همین دلیل دیوانعالی آمریکا اقدامات روزولت را مخالف قانون اساسی خوانده و آنها را باطل اعلام کرد. اما در هر

صورت اعمال این سیاستها تاثیر خود راه مداخله دولت در فعالیتهای اقتصادی را هموار نمود.

«بعد از جنگ جهانی دوم نیز بازسازی و ترمیم خسارات، برنامه ریزی و مداخلات دولت را می طلبد. تبدیل تراز پرداختهای منفی به مثبت، ایجاد اشتغال و مقابله با کمیابی، بدون تغییر ساخت نظام اقتصاد سرمایه داری با اصلاحاتی گسترده، امکان پذیر نبود. کشورهای صنعتی اروپا از جمله انگلستان در این زمینه اقدام به ملی کردن بسیاری از مؤسسات و ارشاد اقتصاد به وسیله دولت از طریق تدوین برنامه اقتصادی کرده و به وسیعترین مداخلات دولتی در فعالیتهای اقتصادی دست زد. در فرانسه نیز اولین برنامه ارشادی از سال ۱۹۴۷ برای مدت چهار سال پیش بینی و اجرا شد. در آلمان فدرال از سال ۱۹۶۷ هدایت نوسانات اقتصادی به وسیله دولت به صورت جدیدتری انجام گرفت. توزیع مجدد درآمد یکی از اهداف مهم سیاست اقتصادی شد که تا امروز همچنان از وظایف اساسی دولت ها به شمار می آید.»

آثار طرح فریدمن بر اقتصاد شیلی

طرفداران لیبرالیسم در مقابله با امواج مداخله گرایی دولتی که تحت تاثیر مکتب کینز بر نظام اقتصادی کشورهای سرمایه داری بود، به دفاع از اصول و مبانی لیبرالیسم پرداخته و سرچشمه کلیه مشکلات اقتصادی را مداخله دولت در فعالیتهای اقتصادی معرفی می کنند. در راس اینان مکتب شیکاگو و میلتن فریدمن می باشد. بنابراین فریدمن را می توان بعنوان طرفدار لیبرالیسم سنتی یعنی مدافع آزادی اقتصادی در نظام اقتصاد سرمایه داری لیبرال نامید که در ارائه سیاستهای اقتصادی و تجویز درمانهای اقتصاد کشورها، تاکید فوق العاده ای بر نظام بازار آزاد و حفظ آزادیهای اقتصادی دارد.

فریدمن پس از کودتای ۱۹۷۳ پینوشه در شیلی، رهبری «نجات اقتصاد شیلی» را بر عهده داشت. نتایج طرح ایشان بعنوان نمونه ای در راستای تحلیل عملکردی آزادی اقتصادی و مقایسه این نتایج با آنچه که فریدمن در کتاب خود «آزادی انتخاب» آورده قابل تأمل است.

«شیلی پس از سه سال تجربه آزاد با کودتای ۱۹۷۳ پینوشه به دریای خون نشست. کودتا از نوع کلاسیک آمریکایی بود و دقیقا منافع انحصارات بین المللی ذی نفع را تعقیب می کرد و لحظه به لحظه از اوان شکوفایی آزادی در عصر آئنده توسط «سازمان سیا» صحنه پردازی می شد. فریدمن رهبری «نجات اقتصاد شیلی» را به عهده گرفت. وقتی پینوشه کار قتل عام مقدماتی را به پایان برد نوبت دارو دسته فریدمن رسید که بنیاد اقتصادی کشور زیر سلطه را ویران کنند. شیکاگوئیها معتقد بودند که نظام بازار آزاد بویژه در بازار نیروی کار که تحت تاثیر مطلق دو شمشیر «عرضه و تقاضا» منجر به تعیین دستمزدها می شود پدیده ای است لازم بویژه برای کشورهای کمتر توسعه یافته. دولت وظیفه ندارد که با سیاستهای پولی خود در تثبیت دستمزدها و حفظ سطح قیمتها یا مهار تورم و یا ایجاد طرحهای توسعه اقدام کند. دولت باید صرفا عرضه پول را تنظیم و آن را برای اقتصاد تامین کند، عرضه پول باید عاقلانه و معتدل انتخاب بشود. البته عرضه پول به تورم می انجامد. به موجب درس شیلی، این اشکالی ندارد آنها که زیان می دهند، یعنی کارگران و مصرف کنندگان کم درآمد، باید دلخوش باشند که نظام بازار آزاد در بلند مدت همه چیز را حل می کند. تورم تولید را تشویق می کند و آن هم اشتغال را بالا می برد و این یکی هم دستمزدها را زیاد می کند. آنان با این سیاست به میدان اقتصاد شیلی آمدند. تمام دستاوردهای بیمه اجتماعی کارگران را پایمال کردند، ورود سرمایه گذارهای خارجی و آغاز جریان غارت را تسهیل کردند. سطح زندگی واقعی را برای مدتها چنان زمین زدند که کمر نادارها شکست، و همیشه وعده دادند که تعادل خود به خود رشد را تضمین خواهد کرد. آنها سیاستشان را که با تزریق پول و آغاز هجوم سرمایه گذارهایی در تولید که بر بنیاد بسیج نیروها و سرمایه ملی همراه بود «شوک درمانی» نام نهادند. در یک کلام، آنها اقتصاد شیلی را از بین بردند. سالها گذشته است آن همه کشتار بی رحمانه و سرکوب آزادیها و آن همه قتل عام کارگران شیلیایی به امید رشد خود به خودی بازار، هیچ نتیجه ای جز پائین ماندن سطح زندگی، عدم رشد عمیق و گسترده صنعتی و فزونی شکافهای اجتماعی نداشته است. بی گمان مرد تیزهوشی چون فریدمن نوبلیست و معاون یرکارش هاربرگر دانسته اند

با شیلی چه می‌کنند. بگذار هر چه فریدمن می‌خواهد در کتاب آزادی خود درباره آزادی اقتصادی و نجات بشر موعظه کند، او مسئول مکیده شدن خون اقتصاد شیلی پس از سکوت اولین غرشهای تانکهاست».

بعدها دکتر آندره گوندرفرانک در دو نامه سرگشاده به استادان خود آرنولد هاربرگر و میلتن فریدمن با استناد به آمار و ارقام موجود و با لحنی کوبنده نتایج حاصله از کاربرد «نمونه اقتصادی» اصحاب شیکاگو را بازگو کرده و علل فقر و عقب ماندگی اقتصادی و... را روشن کرد.

بخش سوم: آزادی اقتصادی و عدالت اقتصادی

یکی از ناکارآمدیهای آزادی اقتصادی را می‌توان عدم تحقق وعده‌های داده شده دانست، براساس آزادی اقتصادی، تمام عوامل اقتصادی بدون هر نوع مداخله دولت به یک نوع توزیع عادلانه درآمد، دست می‌یازند ولی عملکرد و دستاوردهای آزادی اقتصادی نیز در این عرصه، تایید خوشایندی در بر نداشته بطوری که در دهه‌های اخیر، لیبرالیسم سنتی ناگزیر شده تا از «برابری» در کنار «آزادی»، سخن گفته و بپذیرد که باید علاوه بر «آزادی»، به مسائل توزیعی در زندگی اجتماعی - اقتصادی مردم توجه ویژه‌ای داشت و این اندیشه که نوعی اعتراف به شکست آزادی مطلق اقتصادی است. لیبرالهای «برابری» طلب هوادار «دولت رفاه گستر» را به ارائه قرائتی دیگر از لیبرالیسم اقتصادی واداشته است.

شکست‌های عملکرد آزادی اقتصادی و در کنار آن اعتراف به ناکارآمدی آزادی اقتصادی از زبان تعدادی نظریه پردازان عمدتاً نظام اقتصادی - سرمایه داری ذیلاً ارائه می‌شود:

۱- «استورات میل» یکی از علمای مشهور کلاسیک که در نیمه دوم عمر خود به نوعی سوسیالیسم رقیق، متمایل شد در بیانی آشکار، به عدم تامین منافع جامعه در سایه آزادی کسب نفع شخصی افراد، و در نتیجه بروز نابرابری و توزیع ناعادلانه اشاره می‌کند. وی در مورد انتخاب میان دو نظام اقتصاد سرمایه داری و سوسیالیسم صراحتاً چنین می‌نویسد:

«اگر قرار باشد که بین مسلک اشتراکی (با همه خطراتی که دارد) و وضع موجود اجتماعی که براساس آن محصول کار به عکس زحمت، توزیع می شود، یکی را انتخاب کنم و راه بینابین وجود نداشته باشد شق اول را انتخاب خواهم کرد».

۲- «کارلایل» که تاثیر فراوانی در تاریخ عقاید اقتصادی داشته و نفرین هایش علیه نظام اقتصادی موجود، بسان پژوهشگرهای خوانندگان در نمایشنامه های ماتم آمیز باستانی است، می گوید:

«سه بار ملعون»، «سه بار کافر» عقیده اقتصادشناسان که می گویند: نخست در جستجوی سود خود باش و همین سرانجام نفع عموم خواهد بود. خداوندگار ما چنین نگفته است».

«کارلایل» نیرومندان تر از همه مکتب مدرسی آزادمنش را در هم کوبیده است .
۳- فلاسفه ای نظیر «لاک» و «آدام اسمیت» و از بعضی جهات «میل» که دیدگاهی خوشبینانه نسبت به طبیعت بشری و هماهنگ شدن منافع انسان ها داشتند، معتقد بودند که پیشرفت و هماهنگی اجتماعی با فراهم آمدن قلمرو وسیعی برای زندگی خصوصی، که نه دولت و نه هیچ قدرت دیگری مجاز به شکستن آن باشد، سازگاری دارد. ولی درست در چنین زمانی که نظریه دفاع از آزادی اقتصادی، ظهور و بروز بیشتری می یافت و آثار غیر قابل دفاعی از خود در صحنه عمل برجای می گذاشت، هابز و همفکرانش چنین استدلال می کردند که:

اگر قرار است انسانها از نابود کردن یکدیگر و تبدیل زندگی اجتماعی به جنگل یا محیط وحش باز داشته شوند، موانع بزرگتری باید به وجود آید تا آنها را سرچایشان بنشانند و بدین ترتیب خواستار گسترش قلمرو هدایت مرکزی و کاهش محدوده فردی بودند.

۴- «کارل یاسپرس» می گوید :

«امروزه، عدالت خواهی در برابر بی عدالتیها و بدبختیهای ناشی از اقتصاد آزاد دوره لیبرالیستی قد برافراشته است» «.چنین پیداست که راهی که جهان در پیش گرفته است به چنین بلائی خواهد انجامید که نتیجه اش چیزی جز هرج و مرج و

بدبختی و بیچارگی نخواهد بود. چاره تنها در برقراری نظامی است استوار بر حق و قانون که چنان نیرومند باشد که بتواند صلح جهانی را پایدار نگه دارد». اینجاست که منتقدان سرمایه‌داری حق دارند آن را نظامی بی‌رحم معرفی کنند که منظورش از رشد، رشد ثروت سرمایه‌داران وابسته به قدرت و حاکمیت سیاسی کشورهای سرمایه‌داری است.

۵- «پرفسور لستر تارو» استاد اقتصاد دانشگاه هاروارد و ام‌آی‌تی که از نظریه پردازان اقتصاد جهانی است، گرچه همچون فرانسیس فوکویاما که عصر کنونی سرمایه‌داری را «پایان تاریخ» نامیده، معتقد است نظام سرمایه‌داری در میدانی بی‌رقیب، تنها سرپا ایستاده است ولی همو ابراز می‌دارد:

«بین دموکراسی و سرمایه‌داری تناقض وجود دارد. نظام سرمایه‌داری در جانب تولید، نابرابری‌های بزرگی در میزان درآمد و ثروت ایجاد می‌کند».

ثروت کلان برخلاف آنچه در کتاب‌های درسی رشته اقتصاد نوشته‌اند از راه سال‌ها صبر و پس‌انداز و سپس سرمایه‌گذاری دوباره آن با نرخ‌های بازگشت سرمایه بازار به دست نمی‌آید.

«کسی که با ۱۰۰۰۰۰ دلار شروع کند و بخواهد که تمام بهره‌های وصولی خود را پس‌انداز و دوباره سرمایه‌گذاری نماید، بعد از ۴۰ سال، بر مبنای نرخ واقعی بهره ۲/۲ درصد در ده سال گذشته، فقط ۲۳۸۸۰۱ دلار خواهد داشت. بیل گیتز که با ۱۵ میلیارد دلار ثروت، ثروتمندترین مرد آمریکاست، از راه پس‌انداز پول خود ثروتمند نشد».

«تارو» با نقل این ادعا که در نظام سرمایه‌داری، درآمد همه افراد جامعه افزایش می‌یابد، به عملکرد بیست سال گذشته اشاره کرده و پوچی این ادعا را برملا می‌سازد. وی می‌گوید:

«نظام سرمایه‌داری می‌تواند ادعا کند که روند اقتصادی، عادلانه است اما درباره حقیقت یا عدالت باید ندانم گو» باشد. اما اگر کسی اعتقاد دارد که حاصل این پیامد، غیرعادلانه است و درصدد یافتن توجیهی برای نپذیرفتن حاصل فرآیند برآید، همیشه می‌توان جایی پیدا کرد که این فرآیند با نظریه‌های بازار رقابتی، همخوانی

ندارد. در نتیجه، مدافعان نظام سرمایه داری معمولاً ادعا می کنند که این نظام، درآمد همه را پیوسته افزایش می دهد و فقط گاهی ممکن است که نابرابری ایجاد شود. این ادعا در تمام بیست سال گذشته ابطال شده است. اگر دولت در کار بازار، دخالت نکند و به یاری بازندگان نشتابد، تنها راهی که باقی می ماند این است که مستمندان از جامعه بیرون بروند. «هربرت اسپنسر» از اقتصاددانان قرن نوزدهم، مفهومی ساخت که آن را در نظام سرمایه داری، «بقای اصلح» نامید.

(عبارتی که سرانجام داروین برای تبیین تکامل، از او گرفت). اسپنسر عقیده داشت که وظیفه قوی های اقتصادی، این است که ضعیفان اقتصادی را از صفحه روزگار براندازند. آن تفکر در حقیقت، راز بقای نظام سرمایه داری بود. ضعیفان حذف گشتند.

«میثاق با آمریکا (شعار و عنوان بیانیه استراتژیک «جمهوری خواهان» در سال های اخیر)، لحنی بسیار اسپنسری دارد و سودای بازگشت به سرمایه داری بقای اصلح را در سر می پرورد. البته به روراستی اسپنسر نیست و منکر این است که کسی از گرسنگی خواهد مرد. حاشیه نشینان پایین نظام اقتصادی، مستحقند که در همانجا باشند و به سبب بی کفایتی شان نمی توان به آنها کمک کرد».

از لیبرالیسم سنتی تا «برابری طلبی» لیبرال منشانه

لیبرالیسم که برای سه سده، مدافع اصلی «آزادی» و بطور خاص در عرصه مسائل اقتصادی، طرفدار «آزادی اقتصادی» و «عدم مداخله دولت» و هر عامل خارجی در اقتصاد بوده، امروز دچار نوعی عدول از آن یا تردید بین «آزادی» و «عدالت» شده است. لیبرالهای «برابری» طلب، هوادار «دولت رفاه گسترند» و با طرح آزادیهای مدنی همراه با حقوق اقتصادی و اجتماعی معینی، شامل حق رفاه، آموزش و پرورش، بهداشت، مراقبت و مانند آن موافقت می کنند.

«لیبرالهای آزادیخواه از اقتصاد بازار حمایت می کنند و سیاستهای توزیعی را مغایر حقوق مردم می دانند. آنان موافق طرحی از آزادیهای مدنی هستند که با نظام دقیق حق مالکیت فردی همراه باشد».

از یک سو برخی از آنان چون «هایک» و «نوزیک»، با بهره گیری از گرایشهای محافظه کارانه، بر اهمیت بیشتر و ارزش والاتر ایده های مورد باور خود نسبت به ایده هایی چون «همبستگی» و «برابری»، تاکید ورزیده اند. به نظر این اشخاص، بندگی و وابستگی از نظر اخلاقی، قبیح تر از انفراد و نابرابری است. با کار و فعالیت بیشتر فردی، می توان بر فقر و انزوا غلبه کرد ولی انسان در «بند و تحت سلطه» دولت یا سنت حتی امکان «تغییر وضع خویش» را ندارد. از سوی دیگر، برخی از لیبرالها، کسانی مثل «دانیل بل» و «دارندرف»، به سوسیالیستها نزدیک شده و پذیرفته اند که «همبستگی و برابری»، جایی مهم و ویژه در زندگی اجتماعی دارند و بدون آنها سلامتی روحی و روانی - اجتماعی افراد به خطر می افتد.

«اینان که هنوز خود را وفادار به ارزشهای اساسی لیبرالیسم می دانند بر این باور هستند که تحقق این ارزشها خود در نهایت، انسانها را به استقرار نوعی همبستگی و برابری (که در تناقض با آن ارزشها نباشد) می کشاند. چه انسانهای آزاد و معقول می توانند ببینند که در هر ساختار باز اجتماعی، هر آن امکان دارد که آنها خود جزو بازماندگان باشند و این، تنها «برابری و همبستگی» است که می تواند ناجی آنها باشد».

بنابراین، ضرورت توجه به «برابری و همبستگی» اجتماعی، لیبرالیستهای چند دهه اخیر را با این سؤال جدی روبرو ساخته است که چگونه می توان «آزادی»، «برابری و همبستگی» اجتماعی را در کنار هم در جامعه متحقق ساخت. پروفیسور ارنست دور، از برجسته ترین نئولیبرالهای معاصر و استاد اقتصاد دانشگاه نورنبرگ می گوید:

«بدون یک سیاست توزیع درآمدی متناسب و عادلانه، تامین اجتماعی و رفاه اجتماعی و شانس برابر برای همه در یک دموکراسی، اقتصاد بازار نمی تواند ثبات و قوام و نضج گیرد و نمی توان از آن جانبداری کرد.»

و بقول «آنتونی آربلاستر»:

«ارزش های لیبرالی که بر اثر ستایشهای دروغین رسانه های جهان ثروتمند از رونق افتاده است امروزه جهان غنی را کسل و دنیای فقیر را بیزار می کند».

اینجاست که «شهید سیدمحمدباقر صدر» بعنوان خطای اساسی نظریه «آزادی اقتصادی» در نظام سرمایه داری می گوید:

«گر چه در اثر رقابت آزاد، تولید کالا با حداقل هزینه انجام می شود و افزایش تولید و رشد کیفی و کمی آن را بدنبال دارد ولی نمی تواند ثابت کند که آسایش و سعادت را برای جامعه بارمغان آورده است. نظام اقتصاد سرمایه داری، عاجزتر از آنست که لیاقت توزیعی داشته باشد و رفاه جامعه را تضمین کند».

مقام معظم رهبری:

امت اسلامی با یک تلاش مجاهدانه و مجدانه می تواند تمدن اسلامی باب این دوران را طراحی کند و به ثمر برساند و به بشریت عرضه کند.

هجوم به فیضیه قم

روز ۲ فروردین ۱۳۴۲ شمسی در سالروز شهادت حضرت امام جعفر صادق(ع) نظامیان رژیم پهلوی به مدرسه فیضیه در قم حمله کردند که به کشته و زخمی شدن جمع زیادی از طلاب منجر شد. یورش نظامیان حکومت شاه به مدرسه فیضیه قم سرمنشا بسیاری از رخداد‌های سیاسی در روند انقلاب است که برای کشف ریشه‌های آن باید حوادث سال‌های ۱۳۴۰ به بعد را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داد.

پس از رحلت آیت‌الله العظمی بروجردی در فروردین ۱۳۴۰ شمسی، حکومت طاغوتی شاه پهلوی کوشید تا نقشه‌های از پیش برنامه‌ریزی شده خود را با شتاب بیشتری به جلو ببرد. تلاش شاه برای انتقال مرجعیت شیعه به خارج از ایران، پیگیری اصلاحات ارضی، پیگیری طرح «انجمن‌های ایالتی و ولایتی» و سرانجام پیگیری طرح معروف «انقلاب سفید» رئوس مهم‌ترین اقدامات حکومت شاه در فاصله سال‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۴۱ بود.

امام خمینی (ره) اگرچه پس از وفات آیت‌الله العظمی بروجردی همچون ادوار گذشته زندگی خویش، کوچک‌ترین قدمی برای مرجعیت خود برداشت و حتی در مقابل پیشنهادات و اقدامات دوستان خویش در این مسیر مقاومت می‌کرد ولی در برابر یکایک طرح‌ها و اقدامات شاه موضع‌گیری کرده و سبب شکست بسیاری از این طرح‌ها و اقدامات شد. در ماه‌های پایانی سال ۱۳۴۱ شاه تصمیم گرفت اصولی را به رفراندوم بگذارد که در ۶ ماده تدوین و تنظیم شده و اجرای آن به عنوان «انقلاب شاه و ملت» یا «انقلاب سفید» مشهور شده بود و همان برنامه‌ای بود که پیش از آن تحت عناوین دیگر در بعضی کشورهای آمریکای لاتین توسط دولت‌های وابسته به آمریکا اجرا شده بود.

امام خمینی (ره) با مطالعه مفاد اصول ۶ گانه «شاه و ملت» احساس خطر کردند و مراجع و علمای قم را به قیامی دوباره فراخواندند. با آنکه از نظر امام خمینی

هدف‌های پشت پرده رژیم از اصلاحات و رفراندوم آشکار، و رویارویی با آن غیرقابل اجتناب بود، اما در این نشست تصمیم جمعی بر این شد که با شاه مذاکره‌ای صورت گیرد و انگیزه او را جویا شوند. پیغام‌های طرفین به وسیله اعزام نمایندگان برای مذاکره، در چند مرحله رد و بدل شد. شاه در ملاقات با آیت‌الله کمالوند تهدید کرده بود که اصلاحات به هر قیمتی ولو با خونریزی و خراب کردن مساجد انجام خواهد شد.

در نشست بعدی علمای قم، امام (ره) خواستار تحریم رسمی رفراندوم شاه بود ولی محافظه‌کاران حاضر در جلسه، مبارزه در چنین شرایطی را مقابله «مشت با درفش» دانسته و بی‌ثمر خواندند! سرانجام بر اثر اصرار و مقاومت امام خمینی (ره) قرار شد مراجع و علما مخالفت با رفراندوم را صریحاً اعلام و شرکت در آن را تحریم کنند. امام (ره) بیانیه‌ای کوبنده در دوم بهمن ۱۳۴۱ صادر کرد و طی آن نظرخواهی شاه را «رفراندوم اجباری» نامید.

متعاقب آن بازار تهران تعطیل شد و ماموران پلیس به تجمع مردم حمله بردند. در آستانه رفراندوم ابعاد مخالفت مردم فزونی گرفت. شاه ناگزیر برای کاهش دامنه مخالفت‌ها در چهارم بهمن عازم قم شد. امام خمینی از قبل با پیشنهاد استقبال مقامات روحانی از شاه به شدت مخالفت کرد و حتی خروج از منازل و مدارس را در روز ورود شاه به قم تحریم کرد.

تأثیر این تحریم چنان بود که نه تنها روحانیون و مردم قم بلکه تولید آستانه مقدسه حضرت معصومه در این شهر - که مهم‌ترین منصب حکومتی تلقی می‌شد - نیز به استقبال شاه نرفت و همین امر سبب عزل او شد. شاه در سخنرانی خود در جمع تعدادی از کارگزاران رژیم و عواملی که به همراه او از تهران به قم آورده شده بودند خشم خود را با رکیک‌ترین عبارات علیه روحانیت و مردم ابراز کرد. دو روز بعد رفراندوم برگزار شد. امام خمینی نیز با سخنرانی‌ها و بیانیه‌های خویش همچنان به افشاگری دست می‌زد. از آن جمله اعلامیه‌ای بسیار تند و در عین حال مستدل تنظیم کرد که به اعلامیه ۹ امضایی معروف و منتشر گردید و در آن ضمن برشماری اقدامات خلاف قانون شاه و دولت دست‌نشانده وی، سقوط کشاورزی و استقلال

کشور و ترویج فساد و فحشا به عنوان نتایج قطعی اصلاحات شاهانه پیش‌بینی شده بود.

با پیشنهاد امام خمینی (ره) عید نوروز سال ۱۳۴۲ در اعتراض به اقدامات رژیم تحریم شد. در اعلامیه امام از انقلاب سفید شاه به «انقلاب سیاه» تعبیر و همسویی شاه با اهداف آمریکا و اسرائیل افشاء شده بود. از سوی دیگر، شاه که در مورد آمادگی جامعه ایران برای انجام اصلاحات به مقامات و اشنگتن اطمینان داده بود مخالفت علما برایش بسیار گران می‌آمد. از این رو تبلیغات وسیعی را علیه روحانیت و امام خمینی (ره) به راه انداخت و تصمیم به سرکوبی قیام گرفت. حادثه حمله خونین به مدرسه فیضیه قم و مدرسه طالبیه تبریز حاصل همین تصمیم بود.

چگونگی حادثه

طبق اعلان قبلی قرار بود تجمع مردم از ساعت چهار بعد از ظهر دوم فروردین ۴۲ در داخل مدرسه فیضیه برگزار شود. سخنران جلسه نیز مرحوم حاج انصاری تعیین شده بود. ساواک نیز قصد داشت این مراسم را که در حضور صدها زائر حرم حضرت معصومه (س) و تنی چند از علماء و مراجع برگزار می‌شد، به هم بزند. طبق برنامه طراحی شده، عده‌ای کماندو، با لباس کشاورزان و در حالی که به چاقو و چوب مسلح بودند، به وسیله چند دستگاه اتوبوس شرکت واحد از تهران وارد قم شدند. علاوه بر این تعداد زیادی سرباز و نیروهای ویژه شهربانی در اطراف صحن مطهر حضرت معصومه (س) و مدرسه فیضیه تجمع کرده بودند. این عده پس از مانوری کوتاه در شهر به سوی دروازه قم رفتند و در آنجا مستقر شدند.

آن روز به مناسبت سالگرد شهادت حضرت امام جعفر صادق (ع) مجالس متعددی در شهر برپا شده بود، بنابراین تعداد زیادی از مردم نیز از ابتدای صبح در بیت امام اجتماع کرده بودند. یکی از روحانیون به منبر رفته بود و درباره مبارزات حضرت امام صادق (ع) با حاکم جور اموی و عباسی سخن می‌گفت. امام (ره) که لحظاتی پس از شروع سخنرانی به مجلس آمده بودند، متوجه شدند که افرادی

مشکوک از میان جمعیت سعی می‌کنند تا با فرستادن صلوات نظم مجلس را به هم بزنند، بنابراین یکی از روحانیون را احضار کردند و به ایشان پیامی دادند تا به مردم رسانده شود. پیام ایشان این بود که اگر مأمورانی که قصد اخلاک‌گری دارند، ساکت نشوند، خود معظم‌له شخصاً به طرف حرم حرکت خواهند کرد و در آنجا سخنانی را که لازم است به گوش مردم خواهند رساند. این سخن تهدیدآمیز امام (ره)، اخلاک‌گران را در جای خود نشانده و به این ترتیب این توطئه خنثی شد.

بعد از ظهر همان روز در مدرسه فیضیه به دعوت آیت‌الله العظمی گلپایگانی مجلسی برای سوگواری به مناسبت شهادت حضرت امام جعفر صادق (ع) منعقد بود. جمعیت در مدرسه موج می‌زد و اقشار مختلف مردم در آن حضور داشتند. در این حال مدرسه توسط عمال رژیم محاصره شد و سربازان مسلح در اطراف آن مستقر شدند. در این مجلس یکی از روحانیون رشته سخن را به دست گرفته بود و در ضرورت حفظ ارزش‌های اسلامی و دستورات این آئین مقدس سخن می‌گفت و از حوزه علمیه به عنوان «دانشگاه امام صادق» و سربازخانه امام زمان (ع) یاد می‌کرد. در اواسط سخنرانی یکباره عمال رژیم - همان‌هایی که دسته دسته با اتوبوس‌های دولتی به قم آورده شده بودند- وارد شدند و مردم را مورد حمله قرار دادند. طلاب جوان و روحانیون مقاومت کردند و با خراب کردن قسمتی از دیوار طبقه دوم مدرسه و برداشتن آجرهای آن به طرف مأموران حمله بردند. در اثر این حملات، عوامل رژیم موقتاً عقب نشستند و پس از لحظاتی بار دیگر هجوم آوردند و سعی کردند تا خود را به طبقه دوم برسانند اما موفق نشدند. در این حال، نیروهای ضد شورش پس از رساندن خود به پشت بام‌های اطراف به تیراندازی به طرف روحانیون پرداختند و تعدادی از طلاب را نیز از پشت بام‌ها به زمین پرتاب کردند.

مردم در بیرون از مدرسه وقتی متوجه جنایات عمال رژیم شدند، تصمیم به ورود به مدرسه و یاری طلاب گرفتند، اما مأموران آنان را نیز مضروب و مقتول کردند. چون هنوز مدرسه قهرمانانه مقاومت می‌کرد، یورش دیگر آغاز شد و مأموران رژیم، وارد حجره‌های طلاب شدند و پس از نابود کردن تمام کتاب‌ها، اسباب و اثاثیه به جان طلابی که در اطاق‌ها سنگر گرفته بودند، افتادند. پس از مدتی با بستن در

مدرسه طلبه‌ها به شکل تحقیرآمیزی به داخل شبستان برده شدند. سپس کتاب‌ها و مقداری از اثاثیه و لوازم طلاب ساکن حجره‌های فیضیه را به وسط حیاط آوردند و آتش زدند. در بین وسایلی که به آتش کشیده شد علاوه بر کتب درسی، قرآن و مفاتیح و کتب ادعیه نیز به چشم می‌خورد.

فردای آن روز نیز ماموران مخفی رژیم دوباره به مدرسه هجوم آوردند و بعد از مجروح ساختن شمار دیگری از طلبه‌ها و تخریب قسمت‌های دیگری از مدرسه به طرفداری از شاه و رژیم شعار دادند و نسبت به مراجع و علماء اهانت کردند.

آیت‌الله محمدتقی فلسفی در خاطرات خود می‌نویسد: «... کماندوها با وسایلی که در اختیار داشتند به طلاب بی‌دفاع حمله می‌کردند. با پنجه بوکس، میله آهنی، زنجیر، و حتی شاخه‌های درختان فیضیه که شکسته بودند، طلاب را به سختی مضروب و مجروح می‌نمایند. سپس از صحن فیضیه به درون حجره‌های طلاب می‌روند، کتاب‌ها، لباس‌ها، حتی قرآن‌های آن‌ها را به درون صحن مدرسه می‌ریزند و آتش می‌زنند. بعد به طبقه بالای مدرسه می‌روند. در آنجا به زد و خورد با طلاب مشغول می‌شوند. به طوری که می‌گفتند چند نفر را هم از پشت بام فیضیه به رودخانه‌ای که از کنار فیضیه می‌گذرد، می‌اندازند که از سرنوشت آن‌ها خبری نشد. یکی از طلاب جوان به نام سید یونس رودباری، به شهادت رسید و طلاب از شهادت وی با خبر شدند. آیت‌الله گلپایگانی را به یکی از حجرات طبقه پایین بردند و محافظت می‌کنند، چون خطر کشته شدن ایشان جدی بوده است. بعضی از طلاب هم برای نجات خود به پشت‌بام فیضیه می‌روند و گویا خود را به زیر می‌اندازند و دست و پای آن‌ها می‌شکند.

به طور خلاصه طلاب مظلوم را چنان زدند که دندان‌ها و دست و پاها و سر و صورت‌های بسیار شکسته و مجروح شد. مردم بعضی از طلاب دست و پا شکسته و صدمه دیده را به بیمارستان‌های قم می‌رسانند و اعضای شکسته آن‌ها را گچ می‌گیرند، اما از طرف شهربانی و ساواک قم و به دستور مستقیم سرهنگ مولوی آن‌ها را از بیمارستان‌ها اخراج می‌کنند! و ناچار در خانه‌های خود یا در اتاق‌های بعضی

از مدارس تحت معالجه قرار می‌گیرند. حتی دکترها هم با احتیاط و دور از چشم ماموران به آن‌ها سر می‌زدند. از سرنوشت بسیاری از آن‌ها خبری ندارم...»

سپهبد مبصر، معاون رییس شهربانی وقت در خاطرات خود نوشته است: «... در روزهای آخر سال ۱۳۴۱ به سازمان‌های اطلاعاتی اطلاع رسید که طلبه‌های قم با صدور اعلامیه‌ای از مسلمان‌ها خواسته‌اند تا روز دوم فروردین ۴۲ در مدرسه فیضیه گرد هم آیند و در تظاهرات مخالفت با اصلاحات دولت شرکت کنند، در برابر این تصمیم و برای مقابله و جلوگیری از آن، کمیسیون‌هایی تشکیل و مساله را زیر بررسی قرار دادند و سرانجام طرح بسیار نابخردانه و کودکانه‌ای را که اصلاً به صلاح مملکت نبود به تصویب رساندند. تصمیمی که به وسیله مسوولان امنیتی و نظامی کشور گرفته شد این بود که عده‌ای از سربازان گارد با لباس غیرنظامی در روزی که قرار بود در مدرسه فیضیه تظاهرات برپا شود به آنجا ریختند و با طلبه‌های تحریک شده درگیر شدند و با آن‌ها کتک‌کاری کردند و می‌گویند دو یا سه نفر هم از طلبه‌ها کشته شده‌اند. به هر رو پس از انجام گرفتن مأموریت، سربازهایی که لباس غیرنظامی پوشیده بودند اما فراموش کرده بودند کفش‌های خود را عوض کنند و همگی پوتین‌های به شکل سربازی به پا داشتند به صف ایستادند و شعار «جاوید شاه» سر دادند و با این کار ناشیانه و حرکت بچه‌گانه ثابت کردند که یورش‌آوردگان به مدرسه فیضیه سرباز و آن هم سربازان گارد شاهنشاهی بودند و با این ترتیب روحانیت را یکپارچه برانگیخته و وادار کردند که واکنشی از خود بر ضد شاه نشان دهند.»

همزمان با فاجعه فیضیه و در همان روز دوم فروردین ۱۳۴۲، در حالی که در تعدادی از مساجد تبریز نیز مراسم عزاداری برپا بود، عده‌ای از ماموران ساواک و شهربانی وارد مدرسه طالبیه شدند. مأموران پس از پاره کردن تعدادی عکس و اعلامیه‌های نصب شده بر دیوارهای مدرسه با طلبه‌ها و مردم درگیر شدند. زد و خورد مردم و طلبه‌ها با ماموران به خارج از مدرسه کشیده شد. در بیرون از مدرسه بر تعداد مأموران مسلح افزوده شد و درگیری شدت یافت.

هر چند اسدالله علم پس از حادثه فیضیه طی مصاحبه‌ای اعلام کرد روحانیونی که با اصلاحات ارضی مخالفند، با دهقانانی که به قصد زیارت حضرت معصومه به قم رفته بودند نزاع کردند که منجر به قتل یک دهقان شد، لکن عمق فاجعه و علنی بودن آن، مانع از تبلیغاتی گردید که دستگاه‌های تبلیغاتی رژیم سعی در سانسور کردن حادثه داشتند.

امام خمینی (ره) در واکنش به این حمله، در پاسخ به نامه تسلیت آیت‌الله سیدعلی اصغر خویی که به «شاه دوستی یعنی غارتگری» معروف شد، چنین نوشت: «حمله کماندوها و ماموران انتظامی دولت با لباس مبدل و معیت و پشتیبانی پاسبان‌ها به مرکز روحانیت خاطره مغول را تجدید کرد... با شعار جاوید شاه به مرکز امام صادق (ع) و به اولاد جسمانی و روحانی آن بزرگوار حمله ناگهانی کردند و در ظرف یکی دو ساعت، تمام مدرسه فیضیه، دانشگاه امام زمان (عج) را با وضع فجیعی در محضر بیست هزار مسلمان غارت نمودند و درب‌های تمام حجرات و شیشه‌ها را شکستند، طلاب از ترس جان، خود را از پشت بام‌ها به زمین افکندند، دست‌ها و سرها شکسته شد. عمامه طلاب و سادات زریه پیامبر را جمع نموده، آتش زدند، بچه‌های شانزده هفده ساله را از پشت بام پرت کردند. کتاب‌ها و قرآن‌ها را چنان که گفته شد پاره پاره کردند. اکنون روحانیون و طلاب در این شهر مذهبی تأمین جانی ندارند... ماموران تهدید می‌کنند سایر مدارس را به صورت فیضیه درمی‌آوریم، اینان با شعار شاه دوستی به مقدسات مذهبی توهین می‌کنند، شاه دوستی یعنی غارتگری، هتک اسلام، تجاوز به حقوق مسلمین، تجاوز به مراکز علم و دانش. شاه دوستی یعنی ضربه زدن به پیکر قرآن و اسلام، سوزاندن نشانه‌های اسلام... حضرات آقایان توجه دارند اصول اسلام در خطر است، قرآن و مذهب در خطر است. با این احتمال تقیه حرام است و اظهار حقایق واجب»

امام در فرجام اعلامیه خود ضمن استیضاح نمودن اسدالله علم و ترسیم اقدامات غیرقانونی رژیم از زمان رفراندوم شاه تا فاجعه مدرسه فیضیه فرمودند: «من اکنون قلب خود را برای سرنیزه‌های ماموران شما حاضر کردم، ولی برای قبول زورگویی‌ها

و خضوع در برابر جباری‌های شما حاضر نخواهم کرد. من به خواست خدا احکام خدا را در هر موقع مناسبی بیان خواهم کرد و تا قلم در دست دارم کارهای مخالف مصالح مملکت را برملا می‌کنم.»

حضرت امام هادی (ع):
مسخرگی، تفریح سفیهان و هنر جاهلان است.

شفافیت و فسادزدایی (تجارت فردا - شماره ۱۶۶)

قسمت دوم

در اوایل دهه ۹۰ میلادی، فساد به عنوان یک تابو مطرح بود. بسیاری از شرکت‌ها به طور منظم برای فرارهای مالیاتی رشوه پرداخت می‌کردند و بسیاری از نمایندگان بین‌المللی در قبال این واقعیت که فساد ممکن است بسیاری از پروژه‌های توسعه را در سراسر جهان تضعیف کند، از سمت خود استعفا دادند. پیتز ایگن، مقام بازنشسته بانک جهانی، با مشاهده اثرات فساد در شرق آفریقا، با همکاری ۹ تن از متحدانش، یک سازمان کوچک را برای شکستن این تابو تاسیس کرد. سازمان شفافیت بین‌المللی در سال ۱۹۹۳ با یک دبیرخانه در شهر برلین تاسیس شد و شروع به کار کرد. در سال ۱۹۹۵، شاخص ادراک فساد، به منظور اندازه‌گیری سطح ادراک شده فساد بخش دولتی ۴۵ کشور ایجاد شد و کم‌کم این شاخص برای اغلب کشورهای دنیا محاسبه شد تا پراکندگی فساد در جهان به نوعی مشخص شود. سازمان شفافیت بین‌المللی اخیراً، گزارش سال ۲۰۱۵ خود را از شاخص ادراک فساد منتشر کرده است. در این گزارش، همانند سال گذشته دانمارک پاک‌ترین و سومالی فاسدترین کشور دنیا از لحاظ ادراک فساد بخش دولتی انتخاب شدند. در این میان رتبه ایران در میان ۱۶۸ کشور دنیا صد و سی‌ام گزارش شد. ایران امسال نیز همانند سال گذشته با بررسی شش منبع آماری امتیاز ۲۷ از ۱۰۰ را از آن خود کرد و این در حالی بود که رتبه سال گذشته ایران ۱۳۶ در میان ۱۷۵ کشور به ثبت رسیده بود.

سال ۲۰۱۵ نشان داد مردم در کنار یکدیگر می‌توانند در مبارزه علیه فساد موفق شوند. با وجود اینکه جهان مملو از فساد است، تعداد کشورهایی که در سال ۲۰۱۵ در کاهش فساد موفق بودند، بیش از آنهایی بوده که فساد در آنجا افزایش یافته است. برخی کشورها در سال‌های اخیر با رشد چشمگیری در کاهش فساد مواجه شده‌اند. یونان، سنگال و بریتانیا از سال ۲۰۱۲ تاکنون بهترین عملکرد را در میان

کشورهای دنیا در زمینه کاهش فساد از خود نشان دادند. برخلاف این کشورها، استرالیا، برزیل، لیبی، اسپانیا و ترکیه با فساد بیشتری در سال‌های اخیر مواجه شده‌اند.

در خصوص مسائل مربوط به فساد تثبیت‌شده، برزیل به خاطر رسوایی شرکت دولتی پتروبراس ضربه سختی خورده است. در این رسوایی گزارش شده است که سیاستمداران برای اعطای قراردادهای عمومی رشوه دریافت کرده‌اند. با ورود اقتصاد این کشور به بحران، میلیون‌ها برزیلی شغل خود را از دست داده‌اند. مردم عادی در این رسوایی نقشی نداشته‌اند ولی این رسوایی گریبانگیر همه شده است.

پنج کشور از ۱۰ کشور فاسد در میان ۱۰ کشور با حداقل صلح نیز قرار دارند. در افغانستان، میلیون‌ها دلار که باید صرف ساخت‌وساز می‌شد هدر رفته یا دزدیده شده است. در آنگولا ۷۰ درصد از مردم با درآمد دو دلار در روز یا کمتر زندگی می‌کنند. از هر شش کودک آنگولایی یک نفر قبل از رسیدن به پنج سالگی از دنیا می‌رود و بیش از ۱۵۰ هزار کودک سالانه در آنگولا می‌میرند. ولی همه از این فساد رنج نمی‌برند.

ایزابل دوس سانتوس، جوان‌ترین میلیاردر آفریقا، ۳/۴ میلیارد دلار ثروت از کسب‌وکار ارتباطات راه دور و الماس ملی اندوخته است. جالب است بدانید او دختر رئیس‌جمهور آنگولا است.

با این حال اروپای شمالی منزلگاه پاک‌ترین کشورهای دنیاست. ولی اینکه این کشورها بخش دولتی پاکی دارند به این معنا نیست که فساد در این کشورها اصلاً وجود ندارد.

شاخص ادراک فساد در دنیا

شاخص ادراک فساد (CPI) در سال ۱۹۹۵ به عنوان یک شاخص ترکیبی به منظور استفاده در اندازه‌گیری ادراک فساد در بخش دولتی در کشورهای مختلف دنیا ایجاد شد. در ۲۰ سال گذشته، منابع مورد استفاده برای اندازه‌گیری شاخص و

همچنین روش‌شناسی آن تنظیم و اصلاح شده است. جدیدترین فرآیند بازبینی در سال ۲۰۱۲ اتفاق افتاد و برخی تغییرات مهم در روش‌شناسی محاسبه شاخص در سال ۲۰۱۲ شکل گرفت. روش استفاده‌شده تا سال ۲۰۱۲ برای جمع‌بندی منابع آماری مختلف ساده‌سازی شده و در حال حاضر شامل آمار یک‌ساله از هر منبع آماری است. مهم‌تر از همه، روش کنونی به ما اجازه می‌دهد که امتیازات را در طول زمان مقایسه کنیم. مقایسه‌ای که در روش‌شناسی‌های قبل از سال ۲۰۱۲ امکان‌پذیر نبوده است.

فساد بخش دولتی به سادگی فرار از پرداخت مالیات نیست. نهادهای نقض‌کننده و مقامات فاسد باعث افزایش نابرابری و سوءاستفاده شده، ثروت را در اختیار قشر خاص اندکی قرار داده و مابقی مردم را در فقر گرفتار می‌کنند.

بر اساس نظرات متخصصان از سراسر نقاط دنیا، شاخص ادراک فساد میزان سطوح قابل درک فساد بخش دولتی را در اقصی نقاط دنیا اندازه‌گیری می‌کند. هیچ‌کدام از ۱۶۸ کشور بررسی‌شده در این شاخص در سال ۲۰۱۵، نمره کامل را کسب نکرده و دوسوم از آنها نمره‌ای زیر ۵۰ داشته‌اند. در این نمره‌دهی، امتیاز صفر به معنای بالا بودن فساد و ۱۰۰ به معنای پاک بودن بخش دولتی بوده است. بیش از شش میلیارد نفر از جمعیت دنیا در کشورهایی با مشکلات فساد جدی زندگی می‌کنند.

منطقه آمریکا

■ نمره متوسط: ۴۰

■ بیشترین نمره: کانادا (۸۳)

■ کمترین نمره: ونزوئلا و هائیتی (۱۷)

■ کشورهایی با نمره کمتر از ۵۰: معادل ۸۱ درصد

ما در سال ۲۰۱۵ دو رویداد قابل توجه در قاره آمریکا مشاهده کردیم: کشف شبکه‌های فساد گسترده و بسیج توده مردم در برابر فساد. با وجود رسوایی بزرگ‌ترین فساد تاریخ برزیل حول گروه پتروبراس، جای تعجب نیست که برزیل در

سال جاری بیشترین افت شاخص را در قاره آمریکا از آن خود کرده باشد. هنوز هم در برزیل و کشورهای دیگر، تحقیقات علیه فساد افرادی که تا ۱۲ ماه پیش دست‌نیافتنی به نظر می‌آمدند، وجود دارد. چالش کنونی، مقابله با علل فساد است. تنها اصلاح جدی برای مقابله با فساد، به خیابان آمدن شهروندانی بود که پایان یافتن فساد را تقاضا داشتند.

خوب: مبارزه علیه مصونیت ممکن است به مراتب بیش از این باشد ولی سال ۲۰۱۵، هشدار جدی برای فساد در این منطقه بود. از نکات مثبت سال ۲۰۱۵، بازداشت سه عضو ارشد قبیله روزنتال هندوراس و زندانی شدن رئیس‌جمهور گواتمالا به دلیل رشوه‌گیری بود. مدارک موجود علیه وی به حدی قوی بود که روابط سیاسی و پول نیز نتوانست از زندانی شدن او جلوگیری کند. نمره‌ها نسبت به سال گذشته، بهبود چندانی نداشت.

بد: با این حال تعداد بازداشت شدگان کافی نیست. به‌رغم استقبال از این موضوع، تحت پیگرد قرار گرفتن سیاستمداران نخواهد توانست از ثروتمند شدن افراد فاسد جدید جلوگیری کند.

بسیاری از کشورهایی که شاخص آنها مقادیر پایین را نشان می‌دهد دارای منابع طبیعی فراوانی هستند: آرژانتین، مکزیک یا کشور غنی از نفت ونزوئلا (کم‌امتیازترین کشور منطقه) به دلیل کمبود سرمایه‌گذاری در امنیت، آموزش و بهداشت، از مدت‌ها قبل با فساد دست و پنجه نرم می‌کنند. تا زمانی که این ضعف‌ها وجود داشته باشد، فساد به هنجار شدن خود ادامه می‌دهد و کیفیت زندگی شهروندان بهبود نخواهد یافت.

چه اقداماتی مورد نیاز است: دولت‌ها به یک اصلاح سیستماتیک و واقعی نیاز دارند. اولین قدم در این راستا، مصونیت نظام قضایی از فشارهای سیاسی و ایجاد همکاری منطقه‌ای بهتر برای اجرای قانون به منظور متوقف کردن فساد پنهان در حوزه‌های قضایی مختلف است. ضمناً، شهروندان نیز باید به درخواست برای تغییر ادامه دهند. مردم باید فشار خود به رهبران را ادامه داده و خواستار نهادهای پاسخگو و با عملکرد مناسب باشند.

منطقه آسیا - پاسیفیک

■ نمره متوسط: ۴۳

■ بیشترین نمره: نیوزیلند (۸۸)

■ کمترین نمره: کره شمالی (۸)

■ کشورهایی با نمره کمتر از ۵۰: معادل ۶۷ درصد

اگر تنها یک چالش برای متحدسازی منطقه آسیا-پاسیفیک وجود داشته باشد، آن چالش فساد خواهد بود. از وعده‌های کمپین‌های انتخاباتی گرفته تا پوشش‌های رسانه‌ای و انجمن‌های جامعه مدنی، موضوع مورد بحث غالب در همه این موارد، بحث فساد است. با وجود این، هیچ‌گاه شعارها رنگ عمل به خود نگرفته است. با وجود افت نمره استرالیا و عملکرد فضاحت‌بار قابل پیش‌بینی کره شمالی، شاخص سال جاری بهبود قابل توجهی را نشان نمی‌دهد. آیا منطقه آسیا-پاسیفیک تلاش‌های خود را برای مبارزه با فساد متوقف کرده است؟

خوب: در این منطقه از دنیا، تمایل عمومی برای تغییر بسیار بالا بوده است. در هند، سریلانکا و جاهای دیگر، دولت از پایگاه‌های ضدفساد میزبانی می‌کند. در حالی که فساد برای غالب شدن بر پوشش رسانه‌ای در داخل و خارج منطقه ادامه دارد، علاقه روزافزون به تحقیقات جدید در مورد فساد در بخش‌های خصوصی و دولتی همچنان ادامه دارد.

بد: با وجود این اقدامات خوب، پس چرا پیشرفت در این منطقه صفر بوده است؟ به‌رغم تلاش‌های پر قدرت در مورد فسادهای جزئی، رسوایی شرکت توسعه استراتژیک 1 MBD مالزی معمای چالش‌برانگیزی را ایجاد کرده است: آیا رهبری سیاسی واقعاً به مبارزه با فساد در سراسر جامعه متعهد است؟ عدم توانایی نخست‌وزیر مالزی برای پاسخ به سوالاتی در مورد وجود ۷۰۰ هزار دلار سرمایه در حساب بانکی‌اش تنها نمونه‌ای از این چالش بزرگ است. در هند و سریلانکا، رهبران وعده‌های خود را فراموش کرده‌اند در حالی که مقامات دولتی در بنگلادش و کامبوج از طریق ایجاد خفقان در جامعه مدنی، در حال تشدید فساد هستند. در پاکستان و افغانستان، عدم موفقیت در مقابله با فساد باعث بالا گرفتن درگیری‌های در حال

وقوع شده است و رویکرد دادستانی چین درمانی پایدار و همیشگی برای تهدیدها نبوده است. ناتوانی برای مقابله با فساد باعث شده تا در سال‌های اخیر امتیاز کشورها در این منطقه (برای مثال استرالیا) با افت مواجه شود.

چه اقداماتی مورد نیاز است: واضح است که فساد تنها گریبانگیر دولت‌ها نبوده است و هر فردی که دارای نقش بزرگ و تعیین‌کننده برای ایجاد محیطی فعال برای کسب‌وکار است قادر خواهد بود که ایجاد فساد کند. نتایج ضعیف سال جاری، این موضوع را می‌طلبد که رهبران جوامع به تلاش‌های خود اصلاتی مجدد ببخشند و منطقه را از رکود خارج سازند. آنها باید وعده‌های خود را عملی کرده و تضمین کنند که تلاش‌های آنها در نهایت به نتیجه خواهد رسید. کمیسیون‌های ضدفساد یک نمونه مهم در این خصوص هستند: در حالی که خلاقیت آنها در تمام نقاط منطقه ستودنی است، مجادلات سیاسی پیش‌رو و منابع نامناسب باعث شده تا بسیاری از آنها قادر به عمل کردن به تعهدات خود نباشند.

منطقه اروپا و آسیای مرکزی

■ نمره متوسط: ۵۴

■ بیشترین نمره: دانمارک (۹۱)

■ کمترین نمره: ترکمنستان (۱۸)

■ کشورهایی با نمره کمتر از ۵۰: معادل ۴۴ درصد

در حالی که تعداد انگشت‌شماری از کشورهای این منطقه در سال جاری بهبود یافتند، تصویر عمومی در این منطقه وسیع بدون تغییر باقی مانده است. دولت‌ها در حال حاضر مشتاق به تصویب قوانینی در مورد فساد هستند ولی اجرای این قوانین موضوعی متفاوت خواهد بود. این در حالی است که تباهی و فساد در کشورهای نظیر مجارستان، مقدونیه، اسپانیا و ترکیه به شدت به چشم می‌خورد. مناطقی که زمانی امید برای تغییر مثبت در آنها به وضوح دیده می‌شد هم‌اکنون در این کشورها ما در حال مشاهده رشد فساد هستیم در حالی که فضای جامعه و دموکراسی در حال مچاله شدن است.

خوب: نمره کشورهای شمال اروپا مجدداً بسیار بالا بوده است. دانمارک، فنلاند و سوئد سه کشور اول در این رتبه‌بندی هستند و نروژ نیز فاصله زیادی نسبت به بالای جدول ندارد. با وجود این در این کشورها نیز مبارزه با موارد بزرگ فساد در سال ۲۰۱۵ دیده شده است، برای مثال دستگیری ۱۳ کارمند بخش دولتی دانمارک به دلیل مشارکت در رشوه‌گیری، اخراج شهردار برگن، دومین شهر بزرگ نروژ به دلیل رشوه یا شرکت نیمه‌دولتی تلایا سونرا سوئد نمونه‌ای از این فسادهای گزارش شده هستند. در این میان فنلاند حداقل فساد را داشته است. خروج ازبکستان از بازارهای اوراسیا به دلیل اتهامات رشوه‌خواری بزرگ و محاکمه پیش‌روی رئیس پلیس ضدمواد مخدر سابق هلسینکی نیز نمونه‌هایی دیگر از مقابله با فساد موجود در این منطقه بوده‌اند.

بد: فساد همچنان به عنوان یک چالش اساسی در منطقه تلقی می‌شود، که اغلب قدم به قدم با سرکوب حرکت می‌کند. در کشورهای کم‌امتیازی همچون مجارستان، لهستان و ترکیه (که در کنار اسپانیا در سال‌های اخیر سقوط شدیدی را تجربه کرده‌اند) سیاستمداران و همدستان آنها برای افزایش قدرت اقدام به تصرف نهادهای دولتی کرده‌اند، روند خطرناکی که در حال تحت تاثیر قرار دادن کشورهای حوزه بالکان است. این موضوع در کشورهایی با رقم شاخص پایین‌تر حتی وحشتناک‌تر هم بوده است: در آذربایجان، قزاقستان، روسیه، ازبکستان و دیگر کشورها، دولت‌ها در حال محدود کردن جوامع مدنی و رسانه آزاد هستند. دو نهادی که هر دو نقش تعیین‌کننده‌ای برای جلوگیری از فساد دارند. اوضاع در اوکراین نیز بدتر است، به طوری که دولت از ایجاد اصلاحات ممانعت می‌کند. جریان بی‌امان رسوایی‌های بانکی در غرب اروپا در سال ۲۰۱۵ نیز ادامه داشت به طوری که دوپچه‌بانک آلمان بزرگ‌ترین نرخ بهره استقرازی بین‌بانکی را در تاریخ پرداخت کرد. این موضوع اثبات کرد که صنعت مالی (به خصوص بخش بانکداری) نیاز مبرمی به اصلاحات دارد.

چه اقداماتی مورد نیاز است: قانون نیاز به دندان‌های واقعی دارد. قوانین ضدفساد در همه کتاب‌ها نوشته شده است) البته تکه‌تکه و ناقص) ولی ناتوانی در اجرایی

کردن و عمل به آن باعث ایجاد فساد و مصونیت از مجازات شده است. دولت‌ها باید با فساد سیاسی مقابله کرده و بخش مالی را اصلاح کنند و این موضوع اتفاق نخواهد افتاد مگر اینکه به قوانین و مقررات جامه عمل پوشیده و جوامع مدنی و رسانه آزادانه فعالیت کنند.

منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا

■ نمره متوسط: ۳۹

■ بیشترین نمره: قطر (۷۱)

■ کمترین نمره: سودان (۱۲)

■ کشورهای با نمره کمتر از ۵۰: معادل ۶۸ درصد

بار دیگر، سه کشور از ۱۰ کشور انتهایی رتبه‌بندی شاخص سال جاری از منطقه مناستند (عراق، لیبی و سودان). (درگیری‌های ویرانگر حال حاضر در این کشورها و کشورهای دیگر نظیر سوریه و یمن، به این معناست که هرگونه تلاش برای تقویت نهادها و دولت از اولویت خارج شده است. با این حال، امنیت تنها در صورتی در درازمدت موفقیت‌آمیز خواهد بود که دولت بتواند برای شهروندان خود اعتماد ایجاد کند. این موضوع به یک تغییر اساسی در اراده سیاسی نیاز خواهد داشت.

خوب: کویت، اردن و عربستان سعودی در سال گذشته عملکرد بهتری داشته‌اند. عربستان سعودی برای سومین سال متوالی است که با حرکت رو به رشد مواجه شده است. سقوط قیمت نفت و مداخله نظامی پرهزینه در یمن تنها مشکلات ریاضت اقتصادی کشور را برطرف کرده است. به منظور به رسمیت شناختن سیاسی، ساختار صلب و محیط کسب‌وکار پاک برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی مورد نیاز خواهد بود. همچنین نشانه‌هایی از افزایش حضور زنان در زندگی سیاسی در کشورهای این منطقه به چشم می‌خورد. واضح و آشکار است که افزایش میزان اعدام‌ها در عربستان در سال‌های اخیر به عنوان بخشی از هجوم گسترده‌تر به جامعه مدنی و اختلاف عقاید داخلی باقی مانده است.

بد: اکثر کشورها امتیازات بد خود را حفظ کردند و برخی دیگر مانند مصر، لیبی، مراکش، سوریه و تونس، با کاهش نمره مواجه شدند. فساد سیاسی در برخی از

مناطق همچنان به عنوان یک چالش عمده مطرح است. شکل‌گیری داعش و متعاقب آن مبارزه علیه تروریسم توسط بسیاری از دولت‌ها به عنوان بهانه‌ای برای سرکوب آزادی‌های مدنی و جوامع مدنی استفاده شده است. چنین رویکردی به این معناست که شبکه‌های فاسد متجاوز بدون چالش بوده و اغلب به عنوان تامین‌کننده مالی تروریسم خدمت می‌کنند.

چه اقداماتی مورد نیاز است: از آنجا که بسیاری از کشورها با تهدیدهای اساسی مواجه هستند، اولویت قرار دادن مبارزه با فساد در حال حاضر مهم‌تر از هر زمانی خواهد بود. آزادی‌های مدنی کاهش یافته نمی‌تواند به عنوان تلفات جنگ علیه تروریسم تلقی شود. در حالی که مبارزه با فساد در اهداف توسعه پایدار جدید قرار دارد، تصمیم‌گیرندگان روشنفکر در حال آغاز محقق ساختن پیوستگی میان توسعه و اقدامات ضدفسادی هستند. شهروندان نیاز مبرم دارند تا دولت‌هایشان فراتر از مفهوم حرکت کرده و به اقدامات عملی بلندمدت بپردازند. همچنین جوامع مدنی نیز باید فضای کافی برای همکاری در مبارزه علیه فساد را داشته باشند. دولت‌ها نشان داده‌اند که به تنهایی قادر به مبارزه با فساد نخواهند بود.

منطقه جنوب صحرای آفریقا

■ نمره متوسط: ۳۳

■ بیشترین نمره: بوتسوانا (۶۳)

■ کمترین نمره: سومالی (۸)

■ کشورهایی با نمره کمتر از ۵۰: معادل ۸۷ درصد

کشورهای جنوب صحرای آفریقا با هزاران هزار تهدید در سال ۲۰۱۵ مواجه بودند؛ از شیوع ویروس ابولا گرفته تا تروریسم رو به رشد. دوباره و دوباره ما شاهد بودیم که فساد باعث تشدید بحران شده است و عکس‌العمل در قبال آن ضعیف بوده است. شاخص سال جاری نشان‌دهنده تصویر نگران‌کننده‌ای است. ۴۰ کشور از ۴۶ کشور این منطقه با مشکلات فساد جدی مواجه هستند و هیچ بهبودی برای

قدرت‌های قاره یعنی نیجریه و آفریقای جنوبی مشاهده نشده است. شاخص‌های حاکمیت قانون و عدالت نمرات بدی از خود نشان می‌دهند.

خوب: پیشرفت همیشه ممکن است. با نگاه به مناطق مختلفی که شاخص ادراک فساد برای آنها تعیین شده است، بهبود نسبی در حوزه شفافیت در مدیریت مالی مشاهده می‌کنیم که این خبری خوش برای شرکت‌های فعال در این منطقه خواهد بود. به طور کلی تعدادی کشور در سال‌های اخیر پیشرفت داشته‌اند. به خصوص سنگال که بعد از اعمال برخی اقدامات ضدفساد دولت با رشد قابل توجهی مواجه شده است. بوتسوانا به عنوان کشوری که بهترین عملکرد را در منطقه داشته است نمره ۶۳ از ۱۰۰ را کسب کرده است. در حالی که اهداف توسعه پایدار به عنوان تسریع‌کننده برای قدرتمندتر شدن حکومت عمل می‌کند، امید است که دیگر کشورها نیز بتوانند راه بوتسوانا را در پیش بگیرند.

بد: اما فساد به انکار عدالت و امنیت شهروندان ادامه می‌دهد. سومالی، به عنوان یک سرزمین جنگ‌زده، مجدداً در پایین‌ترین سطح این شاخص قرار دارد. بسیاری از کشورهای دیگر نیز در اجازه دادن به حکمرانی قانون با شکست مواجه شده‌اند. همان‌طور که نظرسنجی موسسه شفافیت بین‌المللی از جامعه آفریقایی نشان می‌دهد، پلیس و دادگاه بالاترین نرخ رشوه‌خواری در این منطقه را دارا هستند و این یعنی اجرای قانون همیشه برای محافظت از شهروندان کارا نخواهد بود. در بسیاری از کشورها، شامل کشورهای کم‌امتیاز آنگولا، برونودی و اوگاندا، ناتوانی در تحت پیگرد قرار دادن مقامات دولتی فاسد از یک سو و تهدید و ارباب شهروندانی که علیه فساد صحبت می‌کنند از سوی دیگر باعث گسترش فساد در این کشورها شده است.

چه اقداماتی مورد نیاز است: همان‌طور که اتحادیه آفریقا در دستور کار خود برای سال ۲۰۶۳ (آفریقایی که ما می‌خواهیم) اعلام کرده است، فساد و مصونیت از مجازات باید به خاطرهای از گذشته تبدیل شود. دولت‌ها به منظور تضمین حکومت قانون در جامعه نیاز دارند تا قدم‌های شجاعانه‌ای بردارند. تحت پیگرد قانونی قرار دادن فساد باعث بازگشت ایمان در میان مردمی خواهد شد که اعتقادی به حفاظت

نهادهای دولتی از خود نداشتند. شفافیت و پاسخگو بودن باید در راستای مقابله با فساد وجود داشته باشد، همان طور که نتایج نشان می‌دهد، آفریقا برای رسیدن به یک سطح نرمال راه زیادی در پیش خواهد داشت.

- ادامه دارد

حضرت امام محمد باقر (ع):
کسی به ولایت ما نمی‌رسد مگر با عمل شایسته و
خودداری از گناه

گزارش جلسه کانون حزبی

بسمه تعالی

جلسه کانون حزب تمدن اسلامی روز شنبه مورخ ۹۴/۱۲/۱۵ با حضور جمعی از
اعضاء و شورای مرکزی حزب تمدن اسلامی با تلاوت آیاتی چند از کلام... مجید
آغاز شد.

در ابتدا ضمن تسلیت ایام سوگواری شهادت حضرت فاطمه زهرا(س) و درگذشت
یار امام و رهبری، عالم متقی مرحوم آیت... واعظ طبسی تولیت آستان مقدس
رضوی مهمترین اخبار روز از جمله انتخابات مجلس خبرگان رهبری و مجلس
شورای اسلامی از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گرفت. در این خصوص تأکید
گردید حضور حداکثری مردم در انتخابات یاد شده بنا به توصیه، رهنمودها و تأکیدات
مقام معظم رهبری و بر اساس تعهدی که آنها احساس کردند، می‌باشد و در واقع
پیروز واقعی این انتخابات، نظام، رهبری و مردم هستند.

در این جلسه به نقش و اهمیت احزاب در برنامه‌های مختلف از جمله انتخابات
اشاره و اظهار شده چند طی سالیان اخیر، احزاب نقش مؤثرتری در مقایسه با
دوره‌های گذشته داشته‌اند، لیکن برای رسیدن به جایگاه واقعی خود باید بیش از
گذشته تلاش نمایند.

بخش دیگری از این جلسه به ارائه گزارش آماری از منتخبان و لیست
کاندیداهای مورد نظر حزب تمدن اسلامی در تهران و شهرستان اختصاص یافت که
مقرر شد برای شهرهایی که انتخابات به دور دوم رسیده است، برای حضور حداکثر
مردم از هم‌اکنون برنامه‌ریزی‌های لازم بعمل آمده و همچنین شاخه‌های استانی نیز
در این زمینه فعال شوند.

در پایان اعضاء، سایر نقطه نظرات و پیشنهادهای خود را مطرح نموده و به
سؤالات آنها پاسخ داده شد.

جلسه با ذکر صلوات خاتمه یافت.

اخبار ویژه

- ۱- آمریکا به بهانه تهدیدات ایران از سال ۲۰۰۹ میلادی تا کنون حدوداً به میزان ۲۳ میلیارد دلار به رژیم اشغالگر قدس کمک نظامی کرده است.
- ۲- با اختصاص ۶۴ میلیارد تومان برای توسعه فناوری (رشد ۲ درصدی نسبت به سال ۱۳۹۴) حجم این سرمایه‌گذاری حدوداً ۰/۱۳ درصد سرمایه‌گذاری جهانی است. و جایگاه جهانی کشور در حوزه فناوری نانو در رتبه هفتم می‌باشد.
- ۳- حزب تمدن اسلامی در انتخابات دوره دهم مجلس شورای اسلامی علاوه بر اعلام لیست ۱۷ نفره نامزدهای مورد تایید در شهر تهران و ۸۷ نامزد انتخابات دوره مزبور و در ۶۸ حوزه انتخابیه کشور متعلق به ۲۱ استان را نیز مورد حمایت قرار داد که ۲۰ نفر (۵ نفر از تهران و ۱۵ نفر از شهرستان‌ها) از نامزدهای مورد حمایت حزب تمدن به مجلس شورای اسلامی راه یافته‌اند (۹٪ مجموع رأی آورندگان) و ۱۴ نفر از لیست حزب تمدن اسلامی نیز به مرحله دوم راه یافته‌اند (۱۰٪ از نامزدهای مرحله دوم در کشور).
- ۴- کره جنوبی طی سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ میلادی به ترتیب به میزان ۱۶۷۶ ، ۱۷۲۴ و ۱۷۸۱ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی داشته است که نرخ رشد تولید ناخالص داخلی آن در سال ۲۰۱۴ میلادی ۳/۳٪ در رتبه ۱۴ جهان قرار دارد. نرخ بیکاری ۳/۵ و تورم ۱/۳ درصد بوده است.
- ۵- در تهران ۵ نامزد انتخاباتی هیچ رأیی نداشتند (حتی خودشان هم به خودشان رأی ندادند) و ۹ نامزد تنها یک رأی داشتند و ۷ نامزد ۲ رأی و ۴ نامزد انتخاباتی نیز ۳ رأی داشتند.
- ۶- از میان ۲۲۱ نامزد راه یافته به مجلس شورای اسلامی تعداد ۸۷ نفر در فهرست امید (۳۹/۴٪) و ۶۴ نفر از فهرست اصولگرایان (۲۸/۹٪) و ۱۲ نفر از فهرست صدای ملت (۵/۴٪) و ۵۳ نفر نیز نامشان در هیچ‌یک از

لیست‌ها نبوده است که به آنان نیز در حال حاضر مستقلین گفته شده است (۲۳/۹۸٪) و ۵ نفر از برگزیدگان به اقلیت‌های مذهبی اختصاص دارد (۲/۳٪)

۷- و از ۱۳۸ نامزد مرحله دوم که برای کسب ۶۹ کرسی رقابت خواهند نمود تعداد ۳۴ نفر به فهرست امید، و ۳۵ نفر به فهرست اصولگرایان و ۶۰ نامزد که در هیچ لیستی نامشان نیامده و به مستقلین معروف شده‌اند و ۹ نفر نیز به فهرست صدای ملت تعلق دارد.

۸- ایران در شاخص تورم در جهان در سال ۱۳۹۲ در رتبه سوم و در سال ۱۳۹۳ هفتم و در سال ۱۳۹۴ در رتبه هشتم قرار داشت. اضافه مینماید که نرخ‌های تورم میانگین از ۵/۳۲ درصد در فروردین ۱۳۹۳ به ۵/۲ درصد در بهمن ۱۳۹۴ کاهش یافت.

۹- نرخ بیکاری ایران در سال ۱۳۹۴ بین ۹/۱۰ تا ۷/۱۰ درصد نوسان بوده و رتبه جهانی کشور نیز به ۱۸ رسید.

۱۰- کسری بودجه غیر نفتی در سال ۱۳۸۲ یکمیلیون میلیارد ریال بوده که در سال ۱۳۹۴ به ۸۰۰ هزار میلیارد ریال رسید. پیش‌بینی میشود در سال ۱۳۹۵ این کسری مجدداً به یکمیلیون میلیارد افزایش یابد.

۱۱- ارزش واگذاری‌ها از ۱۵۰۰۰۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۸ به ۲۵۵۷۷ میلیارد ریال در بهمن ۱۳۹۴ کاهش یافت.

۱۲- در نیمه سال ۱۳۹۴ رشد اقتصادی کشور با احتساب بخش نفت ۱ درصد و بدون احتساب بخش نفت ۹/۰ درصد بوده است

۱۳- براساس بررسی شاخص دوام زندگی، حدوداً ۱۴ درصد از طلاق‌ها در کشور کمتر از یکسال و ۱۱ درصد آن از یک تا دو سال زندگی مشترک رخ داده است. و در حال حاضر میانگین طول مدت زندگی مشترک در طلاق‌های ثبت شده در کل کشور ۸ سال میباشد. البته شاخص دوام زندگی در سالهای ۹۲ و ۹۳ و ۹ ماهه ۹۴ نسبت به سالهای ۸۶ تا ۸۸ افزایش را نشان میدهد.

مطبوعات

خراسان

۹۴/۱۱/۲۰

سه‌میه و حق رای جمهوری اسلامی ایران در صندوق بین‌المللی پول افزایش یافت. به گزارش روابط عمومی بانک مرکزی، سه‌میه ایران در صندوق بین‌المللی پول با ۱۳۸ درصد افزایش از رقم قبلی ۱/۴۹۷ میلیون SDR (سیدی از چند ارز مهم جهانی از جمله دلار، یورو و یوان) به رقم جدید ۳۵۶۷ میلیون SDR افزایش یافت و به تبع آن حق رای کشورمان در این صندوق نیز از ۰/۶۲ درصد به ۰/۷۴ درصد رسید.

۹۴/۱۱/۲۰

نامه نیوز نوشت: علی اکبر صالحی معاون رئیس جمهور در ارتباط با نگرانی کشورهای دیگر از پیروزی ایران در مذاکرات گفت: زمانی که دکتر ظریف خطاب به جان کری گفت شما برای چه نگرانید میلیاردها دلار اسلحه را به کشورهای می فروشید و از جانب ما نگران هستید؟ جان کری در پاسخ گفت: شما خود و ملت‌تان را با دیگران مقایسه نکنید.

۹۴/۱۱/۲۰

استاد علوم سیاسی دانشگاه ویتون ایلینوی آمریکا با گفتن این جمله که مسیحیان و مسلمانان یک خدا را می‌پرستند از شغل خود تعلیق شد و دیگر در این دانشگاه تدریس نمی‌کند.

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، به نقل از رادیو ملی آمریکا (ان پی آر) لاریسیا هاوکینز، استاد علوم سیاسی دانشگاه مسیحی ویتون در ماه دسامبر از سمت و شغل خود تعلیق شد.

هاوکینز پس از انتشار پستی بر روی صفحه فیس‌بوک خود مبنی بر استفاده از حجاب در اعلام همبستگی با مسلمانان در لیست تسویه حساب این دانشگاه قرار گرفت. وی در این پست خود هم‌چنین نوشته بود: همان‌طور که پاپ فرانسیس گفته است ما همگی یک خدا را می‌پرستیم.

ایران

۹۴/۱۲/۱۲

بازار طراحی نمودار و جدول بعد از انتخابات داغ است. نمودارها از این جهت که اطلاعات و داده‌های مربوط به انتخابات را به زبان تصویر و رنگ به مخاطبان منتقل می‌کنند، فراوان مورد استقبال قرار گرفته‌اند. از طرفی، نرم‌افزارهای جدیدی که شبکه‌هایی مثل گوگل در دسترس عموم قرار داده است، طراحی و تهیه نمودار و دسته‌بندی آمارها را آسان کرده است.

بنابراین در رقابتی چشم‌نواز، اغلب سایت‌ها و کانال‌های تلگرام اطلاعات به دست آمده از ستاد انتخابات را بلافاصله با کمک نرم‌افزارهای موجود پردازش کرده و در قالب اشکال خوشرنگ هندسی در معرض مخاطبان‌شان قرار می‌دهند.

اما در این میان، به همان اندازه که شبکه‌ها و کانال‌های اینترنتی از ابزار محبوب اینفوگرافی برای انتقال داده‌ها و اطلاعات به خوانندگان بهره می‌گیرند، در گوشه دیگری از جغرافیای رسانه‌ای کشور، برخی محافل سیاسی از این نرم‌افزارها برای راه انداختن نوعی «جنگ آمارها» بهره می‌گیرند و با دستی گشاده در آمار و اطلاعات دستکاری و نمودارهای مجعول ترسیم می‌کنند. دستکاری در آمارها و نمودارها در فضای رسانه عین‌هک کردن اینترنت یا پارازیت‌کردن ماهواره است. در اینجا نیز طراحان این روش‌های غیراخلاقی تلاش می‌کنند با پمپاژ اطلاعات و خراش دادن چهره واقعیت، ذهن مخاطبان را دچار اغتشاش سازند.

۹۴/۱۲/۱۲

سخنگوی شورای نگهبان در گفت‌وگویی صریح با «اعتماد» ضمن پذیرش برخی نقدها که نسبت به عملکرد این شورا در بررسی صلاحیت‌ها وارد شده است از نظارت استصوابی دفاع کرد و آن را لازم دانست.

نجات‌الله ابراهیمیان در این گفت‌وگو، دریافت گزارش از نهادهای امنیتی غیر از وزارت اطلاعات مانند اطلاعات سپاه را مفید دانست و تصریح کرد: این امر وقتی مفید است که شما مجال و تخصص دادرسی انتخاباتی را براساس داده‌ها و عناصر مختلفی که وارد پرونده می‌شوند، داشته باشید و مجال دفاع و اظهار نظر به داوطلب هم داده شود. با چنین نگاهی، مانند هیأت منصفه بیندیشید و در وجدان خود این اقناع را حاصل کنید که این فرد واجد شرایط هست یا خیر؟

به باور این عضو حقوقدان شورای نگهبان، به دلیل ضیق وقت قانونی، متأسفانه مجال کافی پیش‌بینی نشده و چون آیین دادرسی ویژه‌ای بیان نشده، احتمال تضییع حقوق مردم می‌رود. وی با بیان اینکه در این شرایط، احتمال تضییع حق الناس وجود دارد، گفت: اما همه آن تقصیر شورای نگهبان نیست، علت هم قانون ناقص است. در ۲۰ روز نمی‌توان ۶ هزار شکایت را براساس گزارش‌های ناقص موجود رسیدگی کرد، درحالی که قانون می‌گوید باید به فرد فرصت داد تا اظهارات و دفاعیات خود را مطرح کند، اما اگر قرار بود هزار نفر هم می‌آمدند و اعتراض می‌کردند، شما فرصت رسیدگی به بقیه را پیدا نمی‌کردید.

عضو شورای نگهبان درباره نگرانی برخی جریان‌ها نسبت به رد صلاحیت‌ها اضافه کرد: کار ما نواقصی داشت و این کار زیر نظر دبیر محترم شورای نگهبان و معاونت اجرایی و انتخابات صورت می‌گرفت و همه اعضای شورای نگهبان در این امر دخالت ندارند، یعنی برنامه‌ریزی تشکیل جلسات و امثال آن زیر نظر دبیر شورای نگهبان انجام می‌شود، بنابراین اگر انتقادی داشته باشم، انتقاد به شورای نگهبان نیست.

سخنگوی شورا در پاسخ به اینکه آیا ممکن است در شورای نگهبان نسبت به جناح خاصی حساسیت وجود داشته باشد؟ تصریح کرد: بسیاری از اعضای شورای

نگهبان این حساسیت را ندارند. اما پرونده انتخاباتی، پرونده‌ای نیست که من ابراهیمیان یا هر فرد دیگری آن را از اول تا آخر نوشته باشیم. باید دید کسانی که این پرونده را می‌سازند هم آیا همین مقدار بی‌طرفی را دارند یا خیر. زیرا به خاطر وجود یک نقص در مقررات داخلی شورای نگهبان، به عنوان اعضا دخالتی در تعیین کنترل و نظارت این شبکه نداریم. من آنها را نمی‌شناسم. نمی‌دانم چه کسانی این شهادت‌ها را می‌دهند. دبیر شورای نگهبان و نهایتاً معاون اجرایی ایشان که منتخب اعضای شورا نیست، بر این شبکه نظارتی که بخشی از اطلاعات را به ما می‌دهند، نظارت دارند.

وی درباره روال تصمیم‌گیری در این شورا نیز گفت: هرگاه پرونده‌ای در هیأت ۱۲ نفره شورای نگهبان مطرح شد، هیچ فرقی بین هیچ کدام از اعضا نیست، آنجا استدلال حاکم است، در نتیجه هیچ برتری و سلسله مراتبی وجود ندارد. ضمن اینکه اختلاف نظر طبیعی است، دیده‌اید که من و برخی از همکاران، نظرم‌ان با دبیر شورا که یک فقیه است یکی نیست. من بر نظر خودم اصرار می‌کنم. یک جاهایی عقیده دارم درست می‌گویم و آنها اشتباه می‌کنند و پای حرفم هم هستیم. این هم طبیعی است.

ابراهیمیان با اشاره به تبلیغات تخریبی برخی جریان‌ها، اظهار کرد: خیلی بد است، این تبلیغات یعنی اینقدر انگلیس در ایران اقتدار دارد که این مملکت با وجود شورای نگهبان و وزارت کشور نصف داوطلبان انگلیسی از آب دربیایند؟ اسم این را من هم جز بی‌اخلاقی، چیز دیگری نمی‌گذارم.

در ایران اتهام به انگلیسی بودن مهم‌ترین ناسزایی است که ممکن است به کسی بگوییم. ما در انتخابات حق نداریم به کسی ناسزا بگوییم. من هم متأسفم.

ابراهیمیان درباره ارزیابی صلاحیت نامزدهای مجلس خبرگان رهبری و نگرفتن آزمون از برخی نامزدها خاطر نشان کرد: اگر به همه بگویند شما در آزمون شرکت نکردید اما رزومه را به ما بدهید. از همه بگیرند و بگویند این چند نفر رزومه علمی‌شان توجه ما را جلب نکرد. اما ۱۰ نفر خوبند پس آنها را بپذیریم اتفاقاً عادلانه است. اما اگر بگوییم سه نفر را می‌دانیم که خوب هستند اینجا باید اعتراض کرد که

قاعده واحدی برای همه استفاده نکردیم. لذا نمی‌دانم این قسمت به چه ترتیبی صورت گرفته است. از سخنگوی هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات خبرگان کسب اطلاع فرمایید.

اطلاعات

۹۴/۱۲/۱۱

در داخل کشور جناح‌های سیاسی براساس برنده و بازنده انتخابات، هر کدام تحلیل متفاوتی ارائه داده‌اند. محور اصلی و عمده این گونه ارزیابی‌ها بر پیروزی یا شکست در انتخابات می‌چرخد.

اما این واقعیت را هیچ جناح سیاسی، اعم از اصول‌گرا یا اصلاح‌طلب، راست یا چپ انکار نمی‌کند که نتیجه آراء مردم تحولی را رقم زده است که حداقل آن شکست انحصاری جناحی بر مجلس آینده است. نسبت حضور نمایندگان با گرایش اصول‌گرا یا اصلاح‌طلب و مستقل از انتخابات مجلس در هفتم اسفند به هم خورده است و حاصل آن به روایت خبری چنین شده است که ۸۰ درصد نمایندگان مجلس نهم (مجلس کنونی) آراء لازم برای ادامه نمایندگی در مجلس را کسب نکردند.

ناپسندترین روش برای بهره‌گیری از یک پیروزی ملی، مصادره آن براساس جزمیت‌های تشکیلاتی و سیاسی است. تردید نباید داشت که انتخابات هفتم اسفند موفقیت ملی و حضور مردم در پای صندوق آراء بارزترین نشانه از دموکراسی و قدرت ملی ایران بود.

اگر نگاهی به رسانه‌های خارجی داشته باشید، در کنار تعجب آنها از حضور مردم ایران آن هم بدون کوچکترین تعارضی از امنیت و آرامشی مثال‌زدنی گزارش‌های فراوانی داده‌اند. بسیاری از محافل سیاسی غرب که انگشت بر انواع و اقسام اختلاف‌ها و تضادها در ایران از نژادی تا مذهبی، از قومی قبیله‌ای تا گرایش‌های گوناگون سیاسی گذاشته بودند، با نگاه به حضور مردم در سراسر ایران اذعان کردند انقلاب اسلامی هنوز در ایران زنده و پویا است و نظام حاکم در ایران بر آراء مردم استوار است و قدرتی بالاتر و قوی‌تر از وحدت ملی در ایران نیست.

مردم ایران در هفتم اسفند و در انتخابات سراسری قدرت و صلابت ملی خود را به جهانیان نشان دادند.

جمهوری اسلامی

۹۴/۱۲/۸

توسل مخالفان جبهه اعتدال به مفتی دربار سعودی برای انگلیسی دانستن کاندیداهای این جبهه نیز پوچ از آب در آمد. عبدالعزیز الهندی رئیس دفتر خبرگزاری عربستان سعودی در واشنگتن گفت خبری که در رسانه‌های ایران تحت عنوان «مفتی اعظم دربار آل سعود به مردم ایران توصیه کرد به آقایان جنتی، یزدی و مصباح، کاندیداهای خبرگان رای ندهند» صحت ندارد. براساس این گزارش در سایت عبدالعزیز آل الشیخ نیز چنین مطلبی وجود ندارد. منبع اصلی این خبر یک سایت مسیحی لبنانی است که حتی اشاره نکرده بود این خبر را از کجا گرفته است. با اینکه این خبر روز چهارشنبه تکذیب شد، یک روزنامه وابسته به جناح مخالف دولت، روز پنجشنبه آن را با عکس مفتی سعودی در صفحه اول خود چاپ کرد!

(احمد حسینی ۹۴/۱۱/۲۵)

یک مقام مسئول می‌گوید: تنها در استان خراسان بیش از ۲۰ هزار کودک بی‌هویت متولد شده‌اند که حاصل ازدواج غیرقانونی مهاجرین افغان با زنان ایرانی هستند. اگر این آمار را به استان‌های دیگر کشور بویژه تهران، تعمیم دهیم و آنرا در جامعه آماری چند میلیون مهاجر محاسبه نماییم هر تحلیل‌گر مسائل اجتماعی می‌تواند به آثار ویرانگر این پدیده در آینده اجتماعی- فرهنگی و سیاسی- امنیتی کشور بطور روشن پی ببرد.

در این مقال بحث اقامت غیر مجاز مطرح نیست بلکه موضوع ازدواج است که برای افغان‌های مجاز نیز تابع شرایط دشواری می‌باشد و به همین دلیل ازدواج‌های غیر قانونی بسیار گسترده‌تر از اقامت غیر مجاز است و آنچه امروز مدیر کل اتباع خارجی خراسان از آن سخن می‌گوید کودکانی هستند که نسل سوم و چهارم افغان‌ها

را در کشور تشکیل می‌دهند، اقلیتی که با لحاظ کردن آمار پدران و پدر بزرگ‌های آنان یک جمعیت ۵ میلیونی را ظرف یک دهه آینده پدید می‌آورد که بخش عمده آنان بی‌هویت و برای نظام ناشناخته خواهند بود! و راستی کدام کشور اینگونه به یک پدیده انحرافی بحران‌زا اجازه رشد روز افزون را می‌دهد آن هم در کشوری که جمعیت نو پای خودش را خطر بی‌هویتی اجتماعی و فرهنگی به شکل دیگری تهدید می‌کند و متأسفانه در غوغای سیاست زدگی مذموم فریادهای دلسوزان به گوش نمی‌رسد و یا در حاشیه قرار می‌گیرد.

آقایان!

نگارنده بعنوان یک کارشناس امر مهاجرت در کشور بارها نسبت به این پدیده خطرناک و رو به گسترش که حاصل ادامه سیاست‌های کهنه و بی‌فایده در شرایط کنونی است هشدار داده و راه حل مشخص برای ساماندهی این وضعیت ارائه نموده‌ام و آماده‌ام بدون هیچ انتظار و توقعی و صرفاً برای حفظ ارزش‌های انسانی و تاریخیچه پر افتخار نظام در میزبانی از مهاجران و تیره و تار نشدن این سابقه و از همه مهم‌تر پیش‌گیری از پیامدهای سهمگین این روش مدیریت در آینده‌ای نه چندان دور، با هر فرد و نهاد مسئولی بی‌دریغ همکاری کنم و مشاوره دهم و کارشناسان ارزشمندی را نیز در این عرصه می‌شناسم که آماده مشارکت هستند.

راستی چرا گوش شنوایی نیست؟!

۹۴/۱۲/۱۲

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در پیام تشکر خویش به مردم ایران اسلامی گفت: رقابت‌های انتخاباتی باید تبدیل به رفاقت‌ها و در جهت ساختن ایران و تحکیم پایه‌های نظام باشد. متن کامل پیام به شرح ذیل است:

بسم الله الرحمن الرحيم

وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكْ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ
 إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ

و صبر کن و صبر تو جز به توفیق خدا نیست و بر آنان اندوه مخور و از آنچه نیرنگ می‌کنند، دل تنگ مدار، در حقیقت خدا با کسانی است که پروا داشته‌اند و با کسانی است که نیکوکارند.

(سوره مبارکه نحل، آیات شریفه ۱۲۷ و ۱۲۸).

مردم عزیز و بزرگوار ایران

برادران و خواهران بزرگوار در استان تهران

در اولین بیانیه انتخاباتی نوشته بودم: «پس از سال‌ها مسئولیت‌های انتخابی و انتصابی، یک بار دیگر خود را در معرض آرای شما مردم بزرگوار می‌گذارم تا هم‌وزن عملکرد و هم‌میزان درستی و نادرستی مواضع خود را در ترازوی اندیشه‌های عام بسنجم.»

اکنون خدای بزرگ را شاکرم که آنچه به عنوان یکی از سربازان ایران اسلامی در تمام این سال‌ها در گفتار و رفتار داشته‌ام، مورد پسند شما مردم بزرگوار قرار گرفت و مطمئنم موجبات رضایت خداوند متعال را نیز فراهم می‌نماید که:

عبادت به جز خدمت به خلق نیست

اگر چه از مدت‌ها قبل بخشی از امپریالیسم خبری با همه بنگاه‌های تبلیغاتی خارج‌نشین در حرکتی هماهنگ با غول رسانه‌ای داخلی، به انواع و اقسام تهمت‌ها، توهین‌ها و دروغ‌گویی‌ها متوسل شدند و با تعابیری زشت، مردم را از حضور در انتخابات می‌ترساندند، اما آنچه زن و مرد و پیر و جوان ایرانی در هفتم اسفند انجام دادند، اوج بلوغ سیاسی آنان و هوشیاری ملی و دینی در مقابل دسیسه‌ها و توطئه‌ها بود که با تواضع تمام به خاطر عظمت این حضور در سراسر کشور و در استان تهران در مقابل عزیزانی که به این حقیر اعتماد کرده و رای دادند و چه عزیزانی که به دیگر نامزدهای محترم رای داده‌اند، سر تعظیم و احترام فرود می‌آورم و به همه مردم در همه شهرها و روستاهای این کشور بزرگ و خدا خوب کرده، دست مریزاد می‌گویم.

کیهان

۹۴/۱۲/۱۱

جریان اصلاح طلب با تیتروهای ریز و درشت خود در رسانه‌های متبوعشان قصد دارند تا پیروزی در تهران را به کل کشور تسری داده و این گونه القا کنند که مردم در مجلس شورای اسلامی و خبرگان به جناح اصلاح طلب رای دادند. هدف اصلی جریان مذکور از القای این ایستار این است که فقدان پایگاه مردمی خود در کشور و همچنین شکست جریان اصلاح طلب در یک دهه اخیر را سرپوش گذاشته و فرافکنانه خود را پیروز ماجرای انتخابات هفتم اسفند معرفی کنند. با اعلام نتایج تعداد زیادی از حوزه‌های انتخابیه سراسر کشور، ترکیب تقریبی مجلس دهم مشخص شده است. با بررسی این ترکیب می‌توان دریافت که کدام گرایش و جریان کشور در مجلس دهم اکثریت دارد. به گزارش فارس، طبق اعلام آخرین نتایج انتخابات مجلس شورای اسلامی از کسانی که در دور اول انتخابات به مجلس دهم راه یافته‌اند و موفق به جواز شرکت در دور دوم انتخابات شده‌اند ۱۶۱ نفر اصولگرا، ۱۰۱ نفر اصلاح طلب، ۱۷ نفر اعتدالی، ۵۷ نفر مستقل و تعدادی نیز با گرایش نامشخص هستند. همچنین گفتنی است که تاکنون اسامی تعدادی از نمایندگان مجلس دهم مشخص شده است، بررسی این اسامی نشان می‌دهد که تا لحظه انتشار این خبر، ترکیب مجلس دهم نسبت به مجلس نهم «۴۱ درصد» تغییر کرده است. لیست نهایی خبرگان تهران نیز نشان از این امر دارد که تا حدودی نسبت به مجلس خبرگان پیشین ثابت مانده است و شامل تغییرات زیاد نبود ... در کل نتایج تکمیلی حاکی از پیروزی قطعی لیست ائتلاف اصولگرایان در انتخابات مجلس و نیز لیست جامعین در انتخابات خبرگان بوده است.

پایگاه‌های خبری

تابناک

۹۴/۱۲/۳

معاون پژوهشی پژوهشگاه فضایی ایران گفت: در این دو سال ۴۰ نفر از متخصصان صنعت فضایی به آمریکا و اروپا رفته‌اند، حتی امارات متخصصان ما را جذب می‌کند و در حال راه‌اندازی صنعت فضایی است و می‌خواهد تا چند سال آینده گردشگر به فضا پرتاب کند.

تسنیم

۹۴/۱۲/۲

پایگاه اطلاع رسانی وزارت اطلاعات در بخش سخن هفته خود به درج یادداشتی از ناگفته‌های دستگیری و اظهارات عبدالملک ریگی تروریست معروف پرداخته که او در لحظه اعدام گفته است: هر کسی مقابل این نظام بایستد ظلم به اسلام و وحدت بین مسلمانان کرده است. به گزارش تسنیم، در این یادداشت آمده است: «در زمان دستگیری، شرور عنوان داشت: قبل از انجام این سفر که برای ملاقات با آمریکایی‌ها در قرقیزستان تدارک دیده شده بود از خدا خواستم تا من را در عملیات بعدی که خیلی بزرگتر و با کشتار بیشتری بود یاری نماید... وی حمایت مستقیم آمریکا از خودش را مکرر اعلام می‌کرد و می‌گفت: آن‌ها از من حمله به مرزهای ایران و کشتن مردم و ایجاد رعب و وحشت در سطح وسیع را مطالبه می‌کردند و من هم از آنها پول و حمایت می‌خواستم. قصدم برای برنامه‌های بعدی به توصیه حامیانم، انجام عملیات در استانهای مرکزی کشور بود و برای این اقدام در حال آماده نمودن عناصری برای اعزام به استانهای عمقی کشور بودم که دستگیر شدم.» نویسنده در ادامه به سوالش از ریگی اشاره کرده و نوشته است: «از او پرسیدم حس تو در برابر کشتن مردمی که تلفیقی از سنی و شیعه بودند چه بود. می‌گفت: بر

اساس برخی تلقینات و آموخته‌های غلط و باورهایی که از وهابیت به من رسیده بود کشتن شیعه‌ای که بدعت در دین می‌گذارد واجب و سنی که در کنار او برادر وار زندگی می‌کند واجب تر بود. برای من کشتن سنی که با شیعه وحدت داشته باشد مهم تر بود و حتی برنامه ریزی برای کشتن بزرگان اهل سنت داخل کشور نیز داشتم چرا که آنان با شیعیان رابطه خوبی داشتند و هیچ خصومتی با شیعه نداشتند. طرح موضوعاتی چون تظلم خواهی قومی و مذهبی بهترین ابزار و مهم تر از آن خدمتی که شبکه‌های ماهواره‌ای شیعه در انگلستان می‌کردند بود. آنها با بیان سخنان تند و مخاصمت آلود علیه اهل سنت در شبکه‌های ماهواره‌ای بیشترین کمک را به من می‌کردند. برای ساختن ذهن یک جوان بهترین ابزار فیلم سخنان این افراد بود. هر وقت افرادم در عقایدشان سست می‌شدند فوراً فیلم سخنان تند آنها را پخش می‌کردم و افراد با انگیزه بیشتری اقدام به کشتن مردم و حتی کودکان می‌کردند. فرد آماده برای عملیات انتحاری از لحظه اعلام آمادگی تا لحظه انفجار مکرر این فیلم‌ها را می‌دید تا از انگیزه کشتن زن و مرد مسلمان کوتاه نیاید.»

جام نیوز

۹۴/۱۲/۱۵

در فضای پسابرجامی با همکاری آمریکا و انگلیس پروژه جدیدی برای جاسوسی و نفوذ در ایران آغاز شد. پروژه‌ای که از لس‌آنجلس هدایت می‌شود و در لندن تبلیغ می‌شود. یک سازمان به ظاهر غیرانتفاعی با نام «پیشگامان اینترنت آزاد» از لس‌آنجلس آمریکا برای مردم ایران کانال ماهواره‌ای جدیدی راه‌اندازی کرده تا از طریق آن وارد حریم خانواده‌های ایرانی و سیستم‌های رایانه‌ای ایرانیان شود. این کانال ماهواره‌ای قرار است به بهانه‌های آموزشی و تفریحی و... ویدئوهایی با محتوای جذاب روی شبکه خود قرار دهد. مدیران آمریکایی این پروژه حتی برای پارازیت هم فکریایی کرده‌اند تا مشکلی برای ورود به حریم خانواده‌های ایرانی پیش نیاید.

پارس نیوز

۹۴/۱۲/۶

سوزان رایس، مشاور ارشد امنیت ملی آمریکا اخیراً در جلسه کمیته اطلاعاتی سنای آمریکا گفته است: «سرویس اطلاعاتی اسرائیل - موساد - از ماه‌ها پیش بر روی ۲ انتخابات ایران تمرکز کرده است.» او همچنین گفته است: «یکی از نقاط ضعف اصلی ایالات متحده در رابطه با ایران، نداشتن اشراف اطلاعاتی است که یکی از دلایل اصلی آن، نداشتن سفارتخانه در تهران و کنسولگری در شهرهای دیگر ایران است.» او گفته است ما در این مورد از دوستان انگلیسی و اسرائیلی خود کمک خواسته ایم و اقدامات موثری هم انجام شده است.